

Writer Mullah Hāji Abul Hassan. born in Qāin
written in Isfahan in the month of Sha'bān 1324. H.
1906. A.D.

[illegible]

١٣٢۴

[illegible]

5

بسم الله الرحمن الرحیم

بگیر از زیر قدم او یکمشت خاک و این دعا را هفت بار بخواند و در عقب او بپاشد بیقرار گردد

Directions for those who desire to be loved.

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اله السموات و الارض اعجل اعجل

اعجل ارجع ارجع حب لخیر حتی توارت بالحجاب ردوها

فطفق مسحا بالسوق و الاعناق باسم فلان بنت فلانه

Prayer in Arabic. In the Name of the All Merciful O Merciful One of Heaven & earth haste, haste, haste, put love into this one's heart, for I am of clean heart & modest. The girl must take a handful of dust on which the desired lover has walked & read the prayer 7 times blowing into the dust as she reads.

علی حب فلان ابن فلان محبة دوستی میان زن و شوهر بنویسد در

This prayer is efficacious between husband & wife also if placed under their heads.

Talisman → ۳۹۵۹۳ط۱۱۹۱۸۵۱۱۱ و ااا ححح زیر سر ایشان گذارد

"Talism" to bind on arm.

اگر خواهی کسی را عاشق خود گردانی بنویس این طلسم و در زیر خاکستر گرم پنهان کن چنان

If thou desirest some-one to become your Lover write this Talisman & put it under warm charcoal ashes & it will happen that he will not be restful a single hour

Talisman → ۳ ۹۹۹ ۵۱۱۹۹ططط۱۱۱ط شوند که یکساعت آرام نگیرند

اگر زنی خواهد و بوی نه دهند بنویسد این دعا را و بر سر بندد خدا از ارزن

نصیب اد

۵

نصب او کرد اند مکر سلما رهیج مسلما و منی طرب لا اله الا انت

سبحانك انی کنت من الظالمین سطح ضافت سموات الله تعالی

بجهة حمل زن بنویسید بر ثماج زهد و بر کمر بند دو با هم صحبت

بد ارند | ۱۲ | ۳ | ۶ | اگر خواهی کسی را محبت خود کردانی این اسما را

بنویس و در کوزه اب انداز و بخوراد مطلوب دهد عاشق و شیفتا تمحیثا

یا کیفلیثا یا مللیثا طیلیشا یا مهلیثا یا اهلیلا یا عیثا یا لو طا

یا دصا یا صیا یا محیا الحب بنویسید و در خل شربتی کن و بخوراد مطلوب دهد

| وستوالد | کدع | سم حسماده | الحب بنویس بر مرکی سنبه |

و در اثر اندرز اح ۱۱۱ لا ۱۱ الا ل ۱۱۱ ه ۱ ی منقولست در روزی

جناب اسد الله الغالب علی بن ابی طالب صلوات الله وسلامه علیه از عایشه

پرسیدند که چرا چنین خوش رو میمانی و خوف تو در تو ضمم ابنت محمد مصطفی صلعم

میمب
خروفیه
↓
Prayer for "Love" transmitted by letters of Alphabet

Conversation between (the Angel) Israel and Ayeshah.

بسیار است و از جهت چه چیز است که تو را اینقدر دوست میداند و با تو محبت
دارد سبب آن را برای من بیان کن عایشه عرض کرده یا امیر المؤمنین آنحضرت را
یک طلسم بود که بر پارچه ای نقش کرده بودند و آن را بر کلاه میزدند و از آن کلاه
همه روزه استعمال میفرمودند و از ملاحظه جمال آنسرور چنان شدم که نزدیک بود
که از ملاحظه جمال آنحضرت خود را هلاک کنم روزی از آنحضرت پرسیدم که یا رسول الله
شما را بحق خدا قسم که بیان فرمائی آنحضرت در جواب گفت ای عایشه این نقش
که در کف آدم صفی الله بود و از آن به شیث و از شیث به ابراهیم که از آتش نجات
یافت و از ابراهیم بحضرت داود رسید و از داود بموسی رسید و از موسی بعیسی
رسید و این نقش بر یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر رسید و به مرسل رسید و حال
بمن رسیده و لذا برکت این نقش که حقتعالی مرا المعراج برد ای عایشه این طلسم را
معجزات بسیار است اما باید که نگاه دارنده با طهارت و با وضو باشد پس می

از آنحضرت

از آنحضرت التماس کردم این طلسم را بمن مرحمت نمایند فرمودند که حکاک طلب کن تا بیاید
و او را بیاموزم که بجهت تو نقش کند من حکاک طلب نمودم آنحضرت بحکاک فرمودند که این طلسم را
در ساعت سعد بر پارچه مس یا برنج یا هفت جوش نقش کنید و بر چیز دیگر نمیشود آن نقش کرد
باید که عود و عنبر آتش کند و بخورات خوش بسوزانند و باید که آن روز را
دشک و عود و عنبر آتش کنند و مشغول نقش نمودن شود پس بفرمودند
اثر آن عمل نمودم و با خود دارم از این جهت محبت آنحضرت با من بسیار است و از
امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که این طلسم را با خود نگاه دارد
از جمیع بلاها و دردها ایمن باشد و اگر کسی را مهمی عظیم روی داده باشد باید دو رکعت نماز
حاجت بکند و بعد از آن یکصد مرتبه بگوید یا معز یا الله و این طلسم را بدست بگیرد
هر حاجت که داشته باشد البته برآورده شود و اگر خواهد کسی را از عشق خود بیقرار گرداند
این طلسم را در شربت انداز و بخوراند آن کس را البته بیقرار گردد و اگر کسی این طلسم را

بر کف دست بگیرد و بدرگاه قاضی الحاجات استدعا نماید در مطلب خیر انشاء الله بر آید شود

اگر خواهی کسی را آواره کنی این طلسم را بر موم عروسی زند و در قبرستان خاک کند آنکس

آواره گردد و اگر این طلسم را در آب شور طاس اندازد و آن آب را بر مکان ایشان بپاشد

بپاشد آواره شوند و اگر این طلسم را در سرکه اندازد و بعد و صلصل بدهد بهم بنشینند جدائی

از هم جدا شوند و اگر کسی ماه نو ببیند و بر این طلسم نگاه کند و با خود دارد آن ماه را

بخوبی و خوشی بگذراند و اگر کسی این طلسم را در گلاب اندازد و هر روز

بر روی خود زند هر کس او را ببیند عاشق و بیقرار گردد و اگر این طلسم را با خود

در نظر عزیز و محترم باشد و دارنده این طلسم محتاج نگردد و اگر خواهی کسی

از عشق بیقرار گردانی این طلسم را بر حلوا زنند و بخورند آنکس را

از عشق بیقرار گردد و اگر قرض داشته باشد بعد از نماز صبح نظر بر این

طلسم کند و دو رکعت نماز حاجت بگذارد و صد بار یا محمد بگوید و صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد

اللهم صل علی محمد و آل محمد بگو تا مدت چهل روز البته قرض او ادا شود و حاجت
او بر آید و اگر کسی در زندان باشد این طلسم را بر چوب حتی بنویسد یا بر کاغذ
زرد سمرقندی بنویسد و در حوالی زندان دفن کند البته از زندان خلاص یابد
و اگر کسی فقیر باشد بعد از نماز فریضه بر این طلسم نظر کند و هر چه صلوات خواهد فرستد
البته غنی شود و اگر خواهی کسی را مطیع خود گردانی این طلسم را در گلاب انداز
و روی خود را از آن گلاب بشوید هر که او را ببیند مطیع او گردد و اگر
این طلسم را با خود داشته باشد در پیش سلطان و حکام و وزرا برود عرض
او قبول شود و اگر خواهد کسی را از راه جور باز دارد این طلسم را مس
با هفت جوش بکند و در بالین خود کند الله در خواب عجایب ببیند
و عجایب چه وقت خواهد و دارنده این طلسم همیشه پاک باشد
و از حرام اندیشه کند تا خدا تعالی از او راضی باشد و هر که این

طلسم را با خود دارد آتش دوزخ نه بیند و بیشک در بهشت رود و اگر دو خنثی

بسته باشند بیا ملاء گل سبز شوران و این طلسم را بر او زنند و بحمام رود در هفته

سر و گیسوی خود را از آن گل بشوید و در شب جمعه باشد چنان شود پیدا شود که

خواهش او باشد و اگر کسی اولاد نداشته باشد این طلسم را در آب اندازد و یک روز

و سه روز کند و در وقت ... این طلسم را بر روی ناف زن کند اول و دوم

ناف خود را بر طلسم کذا بدین طریق که طلسم صورت آن ناف زن باشد و روی

دیگر بر روی ناف خود باشد و طریق شود سیب در ... دان باشد در وقت

× تا فهمد هر دو بهم چسبیده باشد و بعد بفرمان خدای تعالی برخیزد آبستن شود و

خدای تعالی اولاد بدهد ... کرامت فرماید اگر کسی اولادش نماند از هفت

خانه بیا ملاء اول و نمک و سه قرص نان کند و یک را ... و آن نان

بان نمک دهد و آن نمک که بکند و این طلسم را با خود نگاه دارد و البته اولاد دارد

بمیرد

بمیرد اگر زنی خواسته باشد شوهر کند و دادمهای او را خبر باشند حلوا بنوراند طلسم را

به نیت آنها ببندی بر آن حلوا زنند و بخورند ادمهای خود دهد همه راضی شوند اگر

خواهی بینا که کسی حرمتش حاصل شود روز شنبه وقت طلوع آفتاب حلوا از عسل بپزد

و این طلسم را بر آن حلوا زنند و بخورند هر کس ببیند حرمتش حاصل شود اگر کسی دختری

خواهد و با و نمیدهند این طلسم ایام که دختر ها در شب نام خود و مادر خود بر موم عروسی

زنند و نزدیک آتش کنند بمیرد عاشق خود شود اگر کسی غایبی داشته باشد که نداند

زنده است یا مرده این طلسم را گل کوزه گران نهند در چاه آب اندازد

در شب چهارشنبه و گوش کند اگر آواز خنده آید زنده است و اگر آواز گریه

آید مرده است اگر خواهی حلال خود را از حرام ببندی باید شکل عروسی بر زنی

که با دوست داشته باشد مثل آدم و چند دانه سوزن سفت کند و

بر آن صورت بزند بر سر راه آنکس دفن کند تا آنکس لذت روی آن بگذرد

چشم همکس بر جمیع حرام بسته شود و دارنده این طلسم از جمیع بلاها و دردها و رنج

شر دیو و پری در امان خدای تعالی باشد اما صاحب طلسم پاکیزه باشد و هر وقت که خواهد

متوجه این شود باید که روبه قبله و غسل کند و جامه پاک بپوشد و بخور خوش

دود کند تا هر کاری که خواسته باشد درست شود و صاحب

این طلسم باید که سوره یس با همین که گذشت بجا آورد

اما از برای حلال خود و بجهة این نکنند که در دنیا

و آخرت روسیاه شود این طلسم را شرح بسیار

است اما مختصر کردیم تا خوانند و نویسنده را

ملال نگیرد و طلسم مذکور در صفحه مقابل نگاشته

شد تمت

الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم

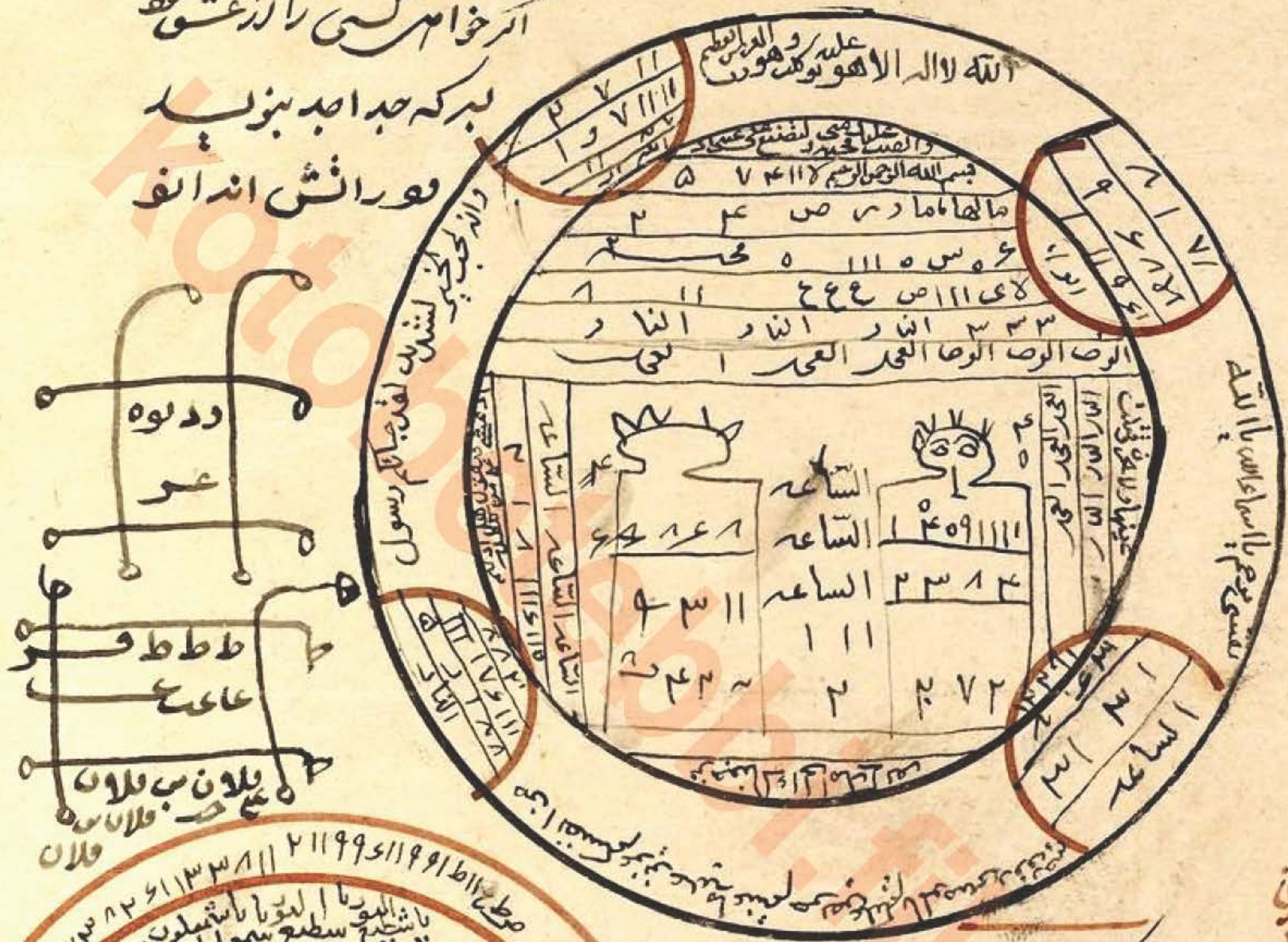
والقيت عليك محبة منى ولتصنع على عينى اذ

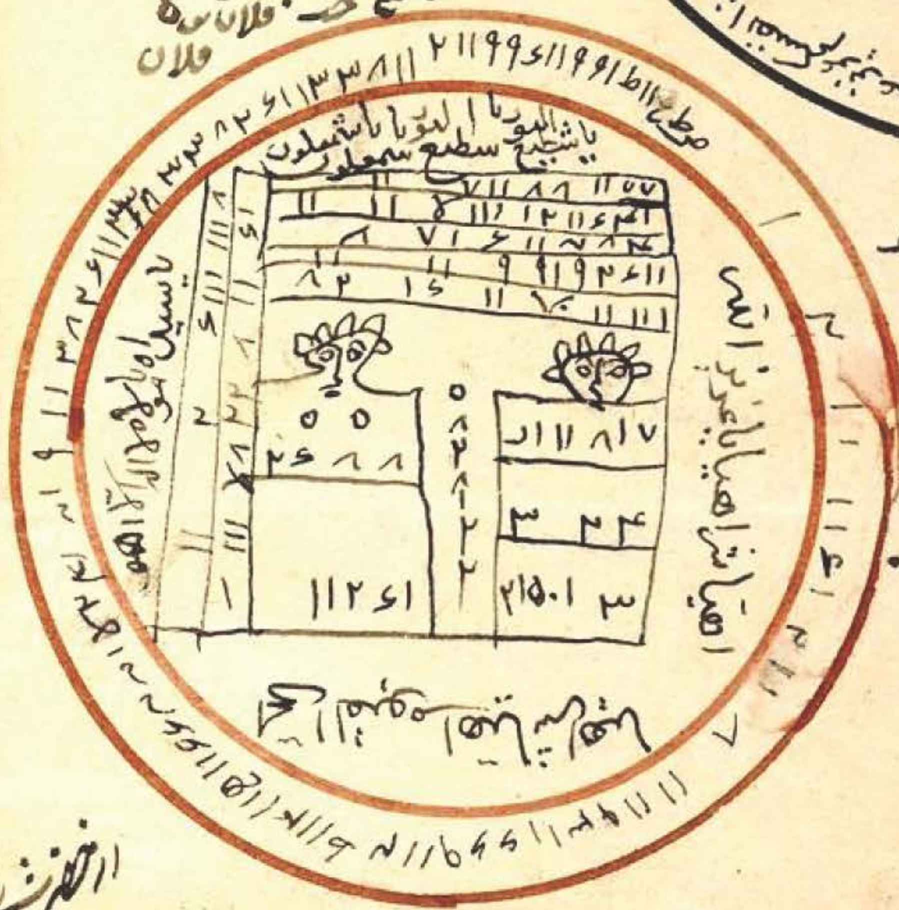
يا الله

بسم الله الرحمن الرحيم	لا	١١ع	١	٧	٥
ما الهاما دا ربل	ص	ع			٢
٥ س ٥	١١١	٥	محمد		٢
لا ى	١١١ص	٤٤٤	١١		٨
٣ ٣	٣	البالا	لبا ١	لبا	الباء
الوحا الوحا الوحا	الحد	العى	العحا		

يا عزيز الله

اگر خواهی کسی را از عشق خود
ببرکه حد احد بنویسد
در آتش انداند





خواب دیدن عاقبت کار

هر که این طلسم را نوشته زیر سر خود
نهد عاقبت خود را در خواب ببیند
طلسم اینست

از حضرت رسول

از حضرت رسول صلی الله علیه واله مرویست که خواهد که شمشیر و تیر و تفنگ

بد و کار نکند این سطر را نوشته با خود دارد و اگر خواهد بیا بد سه مرتبه رز بر صدف

بر کار دخواند و بر حرف فرو برد تا عجب بیند اَرْبِشٍ اَزْبِشٍ هُوشٍ

فَرَاءَ مَشْهُوسٍ فَقْطِيٍ فَفْشٍ اَعْبَحٍ بِلاَ اَلَمْ وَلاَ اَنْتُمْ وَاَخْرِجْ

اَطْرَقْ دِمٍ فَانْفُذْ وَلاَ تَنْفُذُونَ اِلاَّ بِسُلْطَانٍ بجهة زیاد شدن

اب چاه اگر کم شده باشد این آیه را بر سفال پاک نوشته در آن موضع اندازد

اب زیاد شود واذ اخذنا میثاقکم ورفعنا فوقکم الطور خذوا

ما اتیناکم بقوة واسمعوا قالوا سمعنا واطعنا واشربوا

فی قلوبهم العجل بکفرهم قل بئسما یامرکم به ایمانکم ان کنتم

مومنین جهة پیدا کردن دزد این نوشته اب بدیده بر یکطرف جبرئیل

ویکطرف اسرافیل ویکطرف میکائیل ویکطرف عزرائیل

پیدا کردن دزد

جهت زیاد شدن اب چاه

بنویسد ... باشد یک یک بر کاغذ جدا نوشته و اسما

بروی ابریق کند شسته سوره یس را تا فهم لایبصرون بخواند اگر دزد نو باشد ابریق

عقوبت کردن دزد

که در دست گرفته اند بگردد اگر خواهد دزد بعقوبت گرفتار شود سوره عبس را

تا آخر بنویسد و این شکل را بنویسد و در میان ظرفی گلی تنگ کند اولو سر آنرا

بسته در جائی کند الله [illegible] بقدرت خدا بولش بسته شود تا آنچه دزدیده

جهت محبت

باز دهد و شکل اینست  اگر جهت و یکدانه فلفل را

بر هر یک یکبار فاتحه بخواند و [illegible] را در درون پیاز سفید وانرا

و سر آنرا [illegible] پیاز که برداشته محکم کند و بر میخ از چوب انار [illegible]

بر سر آن پیاز [illegible] آتش نهد چنانچه اثر حرارت

آتش [illegible] رسد [illegible] محبت در دل محبوب اثر عظیم کند هر که خواهد

مطلوب مرا از دست ظالم خلاص کند و [illegible] ده بار در برابر ظالم بگوید یا کهیعص [illegible]

اگر کسی خواهد

اگر کسی خواهد که پیش شخصی حرفش بگیرد تو و ابا نکند این اسامی را بر کف دست خود

نوید و پیش انکس رود و متکلم شود صرع ه لال ه جهة احضار

بر رنگ رود خانه نوید دو راتش اندازد اح بر ۱ لله اع اعمد ۱ ۲

کع اع سس ۱۱۱ لا لا ۲۱ اگر خواهد در خشم خود با غیر را فرونشاند

پس وقت این صفت را احساس کند اگر ایستاده است بنشیند و اگر

نشسته است برخیزد و بر بلند دست ایه وله ماسکن فی اللیل والنهار

وهو السمیع العلیم از سوره انعام ادمان نماید ان صفت از او زایل

شود مقبول است دم که ایه من یحیی العظام وهی رمیم تا توقد

از ان پس بر هفت قطعه تنگ خواند و بر هر قطعه یکبار نقش کند دم بار بعد از

قرائت بگوید باسم فلان بن فلان ع حب فلان ابنی فلانه پس

قطعه را در اتش اندازد و معمول از محبت عامل بیقرار گردد

٨

واگر کسی بنام شخصی و مادرش اید لفظ حبا لکم تا رؤف رحیم از سوره

توبه بر تخم مرغ که پاک شسته باشند بنویسد و در ظرفی نهاده در زیر آتشدان

دفن کنند چنانچه حرارت آتش بوی رسد آن کس در محبت بیقرار شود تا

خود را بقابل نرساند آرام نگیرد و ملاحظه ساعت باید کرد و مواضبت

بر تلاوت والقیت علیک محبة منی ولتصنع علی عینی اذ

تمشی اختک فتقول هل ادلکم فرجعناک الی امک کی

تقر عینها وقتلت نفسا فنجیناک من الغم وفتناک

فتونا موجب جذب قلوب است اگر خواهی کسی را از عشق

خود بیقرار کردانی بگیر حلوا که از شکر پخته باشند واین نقش را

بر کاغذ سرخ نوشته بر آن حلوا گذاری که نقش بر او نشیند

و بعد از آن بده تا بخورد چنان شود ساعتی بی تو قرار نگیرد

بلکه

الحفظ التحمم

بنکه برسوائی کند مـ ـه ـه صـ ع مـ ـه

طلعسلحـه طـر لا بو و طـلا غـلو

طـه طـه طـه ۵ ۵ هر گاه جمعی در کار شفق باشند

که نکبند و خواهی نکنند این ایه را بمشک و زعفران و گلاب بنویس و با

باران بشوی و بخور دهد ایشان که پراکنده شوند ان الله مبتلیکم بنهر فمن

شرب منه فلیس منی و من لم یطعمه فانه منی الا من اغترف

غرفة بیده فشربوا منه الا قلیلا منهم فلما جاوزه هو و الذین

امنوا معه قالوا لا طاقة لنا الیوم بجالوت باب

اگر بر شیرینی بخواند هر کس که او بخورد دوست شود و اگر در گلاب اندازد و ش

و روی خود را بشوید عزیز گردد و من الناس من یتخذ من دون

الله انداد ایحبونهم کحب الله و الذین امنوا اشد حبا لله

تا شد بن الخطاب شرح دعای نهان بند این دعا را از خزانه سلطان محمود یافتند

در از وقت جوانی تا ایام وفات از برکت این نامها جهان را تصرف کرد

و در هر راهی که میرفت با فتح و ظفر بود و مملکتش مسلم بود و بعد از فوت

بدست پادشاهان اطراف افتاد و هر کس این اسماء بزرگوار را با خود داشته

با قوت باشد و بروز جنگ شکست نخورد ببرکت این نامهای اعظم پس هر کس

این دعای بزرگوار را با خود دارد تا جمیع خصمان بر وی بسته گردد و در نظر

بزرگان و سلاطین عزیز و مکرم باشد و هر کس که او را ببیند مطیع و فرمان بردار

او باشد ان شاء الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اعقد لسان

الخلق والبشر من کل انثی و ذکر من بنی ادم و بنات حوا

بحق لا اله الا الله از زمین تا اسمان و لا اله الا الله

از اسمان تا زمین لا اله الا الله از عرش تا کرسی

لا اله الا الله

۱۰

بسم بحق سبح لله ما فی السموات والارض بسم بحق قد سمع الله

قول التی بسم بحق تبارک الذی بیده الملک بسم بحق نون

والقلم وما یسطرون بسم بحق صد وچهارده سوره کلام الله

المجید بسم زبان مجموع بنی ادم وبنات حوا بودارند ابدعا

و بهر کردم بنام خدای تعالی از خلق اولین واخرین عن

یمیننا ویسارنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم

سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون بسم کامشان بسم زبان

وچشم ودست وپایشان بسم چشم واعضایشان

بسم بسم بحق کلامهای خدای عزوجل که بجهه

پیغمبران خود فرستاده بسم بحق شش هزار و

ششصد ایه کلام ازلی وابدی بسم بحق ان

نامها

نامها که بر کف ملک الموت نوشته است بستم بحق آن نامها

که انبیا و اولیا ببرکت آن مرده را زنده کرده اند بستم زبان

دزد و خصم نزدیک و خصم پنهان و خصم آشکار و خصم

بیگانه و خویش بستم زبان سلاطین و خوانین بستم

زبان امرا و حجاب بستم زبان پدران و مادران و برادران

و خواهران بستم زبان پیران و جوانان بستم زبان غلامان

و خواجه سرایان بستم زبان کودکان و کران و شلان بستم

بستم زبان قاضی و مفتی بستم زبان فقیه و زاهد و عابد

و عارف و صوفی بستم زبان ترک و تاجیک و هندی

و چینی و زن و روسائی و شهری و مجموع بنی آدم و بنات

حوا بستم زبان سیاه و دندان سفید بستم دم ماد

و گژدم زننده و آب رونده و آتش سوزنده و شیر غرنده و پلنگ درنده

و شمشیر برنده در حق دارنده این دعوات بستم زبان و کام و دهان

و هفت اعضای و سیصد و شصت و شش رگ و چهارصد و چهل

و چهار پاره استخوان بنی آدم و بنات حوا را و مهر کردم زبانشان را بنام

لا اله الا الله و بستم و مهر کردم جمیع اعضا و زبانهای ایشان

بحق خاتم سلیمان بن داود و بحق انه من سلیمان

و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی

مسلمین بستم و مهر کردم جمیع اعضا و زبانهای ایشان

بمهر نبوت محمد رسول الله و بحق صم بکم عمی فهم

لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا یتکلمون صم بکم عمی

فهم لا یعقلون صم بکم عمی فهم لا ینطقون

صم بکم

صم بکم عمی فهم لا یرجعون صم بکم عمی فهم لا یسمعون صم بکم عمی
فهم لا یعقلون هذا یوم لا ینطقون و بحق ختم الله
علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوة و لهم
عذاب عظیم یا الله یا الله یا الله بحق لا اله الا الله محمد
رسول الله علی ولی الله حقا حقا لا اله الا الله
لسبتم لبثیب لا اله الا الله لسبتم بروز لا اله الا الله
لسبتم بحق نور لا اله الا الله لسبتم نور و جهک الکریم
و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین
برحمتک یا ارحم الراحمین

اگر کسی را سگ یا شغال دیوانه گرفته باشد حضرت رسول صلی الله علیه
و آله فرموده اند این افسون را بروی نان نوشته باکسی دهد تا بخورد
دعا

بچه بودن سن عقرب بنوید دوزخانه الکس دفن نماید دشمنش

یا در قبرستانه

بلنبا بت الکس

در شتی بحر

قمر در عقرب بوقت

٤		٢
٣	٥	٧
٨	١	٦

در وقت نوشتن چیزی نرش در دهن بکیرد علی البغض والعداوة

والقارعة ما القارعة وما ...

... لحق فسیکفیکهم الله

وهو السمیع العلیم ص والقرآن والذکر والقرآن

المجید ن والقلم وما یسطرون باسم ...

دشمنی فلان بن فلان ... بغض فلان بن فلان العجل العجل

العجل

العجل الوحا بجهت جدائی و دل سردی میان دو نفر که کلید ل
نکنند که در قیامت دیدار اتفاق افتد باید هفت عدد نان بگیرد و هفت مرتبه
و هفت مرتبه سوره القارعه را بگرده نان بخواند و بگوید جدائی انداختم در میانه
فلان بن فلان الیوم الی یوم القیمه بعد از آن دو پاره نماید نصف را به یک ماده
دهد نصف را به یک نر دهد جدائی افتد باید در صبح سه شنبه باشد در خط نکنند مجرب است

بجهت تفریق و جدائی بنویسد بر دو بیضه مرغ سفید دور چاه افکنند بپیچد
دور گور کهنه پنهان کنند در میان ایشان جدائی افتد چنانکه هرگز روی یکدیگر نبینند

جدائی
جدای
تفریق

اصططال س سطوبوس اسطال بطالوس

باسم فلان ابن فلان هرگاه خواسته باشی میان دو نفر بجام مشغول هستند
جدائی اندازی بنویس این طلسم را و یک ده تا تا بخورد جدائی افتد مجرب
از سر است انشاءالله تعالی و طلسم پشت صفحه است

اط اام اا عح سعح سعح ۹۱/ اا اسع لم ا ا ۹۹۱ ۳۲۳ ٥ ع و مال

شدام لے ٥ اا ٥ وفح طح صح ا ٥ ا ی ں ا ا ا عث

بجهة عداوت و بغض بگیرد تخم تره تیزک و سوره کریمه یس آنچه تواند

بدان خواند آنگاه آن را بکوبد با قدری سرکه حل کند بهر جو تش خواهد

بدهد در ساعت میان ایشان جدائی افتد و عداوت پیدا شود از غصه

موجب است باب البغض والعداوه بگیرد قدری کف

وانکاه را از جائی بر دارد حمار میان غلطیده باشد و آن

خاک هفت آیه را بر آن بخواند در مقام ایشان افکند

فی الحال میان ایشان جدائی افتد مثل لم یحملوها کمثل الحمار

یحمل اسفارا بئس مثل القوم الذین کذبوا بآیات الله

والله لا یهدی القوم الظالمین تمت الدعاء

ارکه

هرکه این مهر را بنویسد در روز سه شنبه اول بامداد در آب نو را ب حمام اندازد

به نیت جدائی دو خصم از هم جدا شوند اگر خواهد دشمن را آواره کند پاره موم

نو بگیرد و مرغ سیاه با هم بیامیزد و این مهر را در روی نهد در آب نو را ب حمام اندازد

آنکس از خان و مان آواره گردد اگر خواهد که زبان دشمنان بر وی بسته گردد

این مهر را بر مصطکی نهد در زیر زمین دفن کند تا زبان بر وی بسته گردد این مهر را

با خود دارد که آتش [illegible] گردد و اگر خواهد کسی را که بسته باشند یک شنبه این مهر را

در روغن زیتون اندازد در روز شنبه در ساعت عطارد و بآن مالد گشاده شود اگر خواهد

که حکم آن باطل باشد از هفت چشمه آب بیاورد و چهار سوره از قرآن بر وی خواند و این

مهر را بر موم نو نهد و عبیر در آب اندازد و در شب از آن آب غسل کند هر کجا که

برود کار بکند اگر این مهر را در گلاب اندازد و بر سر نقش نهد تا بجوش آید صد و

سی و سه نوبت قل هو الله احد بخواند و باید در روز پنجشنبه باشد و آن گلاب را

بخورد و سخنش همه جا گیرا شود و اگر خواهد بخت کسی را بگشاید پس مهر را به عود و شکر

بخور دهد و بر سر چشمه رود و وقت خواب خفته باشد از البرز اند بخت آنکس گشاده

گردد و اگر خواهد رزق بر وی بسیار شود این مهر را در عسل نهد و با روغن سه روز بجوشاند گیرد

روغن بر وی شک نشود و اگر این مهر را در خرما نهد و خرما را حلوا سازد و جهت یکی پاره

و این را در آن حلوا نهد و بخورد هر که بخورد نگذرد چندانکه زن باشد و اگر مهر را در موم

زر دو کافور نهد و در روز اربعه در وقت یکی بر بام اندازد و یکی بر کوه ناآب

اندازد و از آن بخورد و بر وی بدان شود هر که او را ببیند بی صبر و بی آرام گردد

و اگر این مهر را بر زبان گاو نهد و در خانه هر کس بیاندازد عاشق شود و اگر این مهر را در زیر

بالین خود نهد در وقت رفتن ماه در شب یکشنبه هر مراد که داشته باشد در خواب

ببیند و هر دو حاجتی را که بخت بسته باشد این مهر را بنویسد و با خود دارد ابنه گشاده

شود و اگر کسی این مهر را بنویسد و با خود دارد در روز برود خدای تعالی

خود روشن شود در کار او نماید و منتظر عزیز و مکرم گردد و چشم بد دشمن عزیز و شریر بماند والله اعلم

١١ ٤ ١١ ٣ ١١ ١ ١١١ ٨ ١١١ ٤ ١١١ ٤ ١١ ٨ ١١١ ٩ ١١ ١١ ١١١ ٨ ٤ ١١١ ٨ ١ ٢ ١١١ ٥ ١١١ ٨ ١١

٥ ١١١ ٩ ١١١ ٨ ١١١ ٤ ١١١ ١ ٢١ ١ ٢ ١ ٨ ١ م ١١١ ٤ ١١ ٥ ط ١١١ ٤ ١١ ٨ ١١ ٤ ١١ ٨ ١١ ٤ ١١

١١١ ٩ ١١١ ط ١١ ط ١١١ ٦ ١١١ ع ١ ٨ ١ ٢ ٢ ک ١١١ ک ٤ ١١ ٨ ١١ ٥ ١ ٧ ٨ ١١١ ١١١ ط

٩ ١١ ٢ ١١ ک ١١ ک ١١ ٨ ١١١ ٩ ١١١١ ٤ ١١ ک ١١١ ک ٤ ١١ ٨ ١١ ٥ ١ ٧ ٨ ١١١ ١١١ ط

١٢ ١١١١ ک ١١١ ٨ ١ ٤ ١١ ٨ ١١ ١١ ع ١١١ ک ١١١ ک ٩ ١١١ ٨ ١١١ ٩ ١١١

در بیان حب حبیب بر نخ ۷ مرتبه بخواند و بدمد تا بخورد که نزدیک باشد محبوب شود

كافٍ كافٍ كف كا فا كف كوفا كيف كيفا كفيف كفا فا كف كف

انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون اگر مرد با زن نو

نویس بمشک و زعفران بر کاغذ و بسوزان صلح پیدا شود یا عطنع لا عطف

قلب فلان بن فلان بمحبت فلان بن فلان صلح اقلب لمحرق النار كلها الله

mad c love

عشر
امرغ

فقه عجل بالساعة النار الوحا الحريق اگر مرد زن را دوست ندارد این تعویذ را

نوشته باب بشوید و با هم بخورند او را دوست دارد ص ص ص سهم ح ل لم لم لم

لم لم و االله و و و و و و س س س س س م

با اسم فلان بن فلان محصر سم و الازبان لولا لاب الحب باب بشوید و بکد

خواهر کجرانند دوست شود ۱۲ لا ۳ ۲ لا این نوشته را در آب اندازد و هر که

بخورد دوست شود طلسم اینست ۱۱۱۱ ط ۱۸ ۱۱ ط ا ح او و ف ح اگر زن در دست

۷ مح ط ۱۱ ۲ رع ۲ ۸ ۱۸۷

شوهر گرفتار باشد و از شوهر

رغبت نه بیند بنویسد این

اسم او بر بازوی راست شوهر زن محبت آن زن دیوانه شود اینست

۱۱۳۵۱ ۵ ۸ ۱۱ ط ۹ ۸۱ ۱۵ ۲ اگر خواهی که در چشم مردم عزیز شو پاره موی

گربه سیاه از هر جا که باشد در کفش خود اندازد تا در دل همه آن عزیز باشد اگر نمکند در خوان

بنویسد بر کاغذ

محبت

بنویسد بر کاغذ و خاک پای کسی را که خواهد قدری بر دارد و در میان کاغذ کند عجایب ببیند و به هست اینست ط ۱۱ ۱۱۱ ط ۱۱ ... اگر این شهد

بر کف دست خود بنویسد با اسم هر کسی که خواهد دوست خود را بسمی آفتاب بطوف عنبر شود

الواع ه و ه	الواس حا ه	۱۹۱۳۳ س

اگر خواهد عداوت پیدا شود بنویسد و انجا که خاک پای او است دفن کند بخصص

واذ قال للملائکة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابلیس

یکن من الساجدین یا ابلیس بگردان روی وی را از فلان بن فلان

و دوستی بوزه الله و ملائکته و قدره و سلطانه بل نقذف بالحق

علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق و لکم الویل مما

تصفون باب بنویسد بر شانه گوسفند و در آتش اندازد با اسم هر که

خواهد ببغض ارشود طلسم ...

دل ... بهر ایے
حرمت
نفاق

Prayer to the Devil to go into the heart of so & so that hatred may enter.

شاه ... و
رفع ...

۱۶ ۱۶

باب اگر خواهی که کسی را از عشق خود بیقرار گردانی

بنویس و در آتش اندازد و این طلسم کن فیکون است

الکسی در خزنی خواهد واند و خزر راضی شد این طلسم را نوشته

دراب حل کند یا چیزی دیگر یا شربتی یا آب بخوراند و دهند الله راضی

شود ان خدا ای تعالی دفع کمر شیر زنان بنویسد

و بر گردن بندد بسم الله الرحمن الرحیم

۱۳ ا م م ع هواهو
۱۳ ۲۱۳ ۱۱۱ ۳ ۸ ۳ ۱

یخرج من بین الصلب والترائب انه علی رجعه

لقادر یوم تبلی السرائر فما له من قوة و لا ناصر

اسم الهی الحصح یا نور النور یا خالق النور

نوع دیگر

حیض

آتش

حیض

رازیه

شرن

وحشت

نوع دیگر بنویسد در آب بشوید و بخورد و بنویسد و بر پستان بندد شیر زیاد

شود بسم الله الرحمن الرحیم مثل الجنة التی وعد المتقون فیها

انهار من ماء و انهار من عسل مصفی الهی زیاده کردان

شیر فلانه بنت فلانه اگر زنی با شوهر خوف نو این طلسم را بر

پاره کرباس نویسد و در خانه ایشان پنهان کند

چنان شوند چون لیلی و مجنون ۱۲۱ ا وا وا ططاء ۱۱

روایت است در شهر بغداد پادشاهی بود جابر

و چهار صد حرم داشت هر یک چون ماه تابان و او را کنیزکی بود سوسن

نام داشت و بسیار زیبا و خوب شکل بود و او را بسیار رخصت میدادند

روزی سوسن رفت خدمت سید عالمیان و عجز و تضرع نمود یا

رسول الله فدایت شوم دعائی به من بدهید تا در حرم پادشاه مرا خفت

جهت زیاد شیره شیر زنان

سوسن
Susan

ندهند سید عالمیان این دعا را نوشتند و بسوسن دادند سوسن دعا را گرفت
و بر سر خود پنهان کرد و داخل حرم پادشاه شد چون نظرش افتاد او را بصدق
عاشق شد و سوسن را بعقد خود در آورد و چنان محبت سوسن بر دل پادشاه
جای گرفت که هر جا که میرفت سوسن از خود جدا نمیکرد و هفته بهفته از خانه
سوسن بیرون نمیرفت قضا را کردگار فوت شد پادشاه حکم کرد تمام دکانها و بازارها
سیاه پوش کردند و جامهای سیاه پوشیدند و پادشاه نمیگذاشت که سوسن را
بغسالخانه ببرند ناچار و لا علاج سوسن را بغسالخانه بردند غسال زنی بود که او نه
سوسن را شنیده بود همین که سوسن را تخته کردند دید در عرقچین او
دعائی هست او را برداشت و بر سر خود پنهان کرد و سوسن را غسل دادند
و سپردند غسال زن خود را داخل حرم پادشاه کرد پادشاه غسال را بیاورید
تا آنچه حق اوست بدهم همینکه غسال را آوردند چون پادشاه چشمش به غسال

افتاد

اثار عاشق او شد و نماز را ببخشد حق در الله ورز برکت این دعای بزرگوار هر که
این دعا را با خود دارد باب غرق نشود باتش نسوزد و هیچ گزنده قصد جان او
نکند هر کس او را ببیند دوست دارد از برکت این دعای بزرگوار عجایب بسیار ببیند
هر که نشد الله کافرشت بسم الله الرحمن الرحیم یا عزیز یا عزیز
یا عزیز یا غفور یا عفو یا غفور یا صبور ۳ یا شکور ۳
یا حنان ۳ یا منان ۳ یا دیان ۳ یا سبحان ۳ یا برهان ۳
یا فرقان ۳ یا ستار ۳ یا رزاق ۳ ومن الناس من یتخذ من
دون الله اندادا یحبونهم کحب الله والذین امنوا اشد
حبا لله زین للناس حب الشهوات من النساء والبنین و
القناطیر المقنطرة من الذهب والفضة والخیل المسومة
والحرث ذلک متاع الحیوة الدنیا والله عنده حسن المآب.

3 times

یحبونهم کحب الله والذین امنوا اشد حبا لله و لو یری

الذین ظلموا اذ یرون العذاب ان القوة لله جمیعا و

القیت علیک محبة منی و لتصنع علی عینی اذ تمشی اختک

فتقول هل ادلکم علی من یکفله فرجعناک الی امک کی تقر عینها

و لا تحزن و قتلت نفسا و نجیناک من الغم و فتناک فتونا

یا عزیز فلانة بنت فلانة و صلی الله علی محمد و اله اجمعین برحمتک یا

ارحم الراحمین اگر کسی این کلمات را بمشک و زعفران بنویسد و بر بازوی

راست بندد و بر حلقه یک عزیز و کم باشد و با هر کس سخن گوید محبت او شود و عجایب

ببار ببیند و کلمات مذکور اینست یا ستلیشا لع یا من نجیتا

یا هوشا یا سعیوشا یا دعیوشا یا صنالیوشا یا مستیتا

یا مستکفینا یا نتیفلون یا نتیفلون یا مستحاریث

محبت

ناصر

ازره

ما سا دیر

یا بیاریث یا مولیصبع · یا مطیع اگر کسی این دعا را نوشته با خود اله

همه خلایق او را دوست دارند و مطیع و منقاد و مشتاق او باشند دعای

مبارک اینست یا محمود فلا شلغ الا وحام بکل کسر شناؤه

وجبده وعق و هر کس این حمد را بنویسد و با خود دارد از ن

حمله دشمنان و بدگویان و بدخواهان بر حذر بسته گردد الضالین ولا

علیهم مغضوب غیر علیهم انعمت الذین یوم مالک

الرحمن الرحیم العالمین رب الله الحمد الرحیم الرحمن

الله بسم وصلی الله علی خیر خلقه محمد واله اجمعین

برحمتک یا ارحم الراحمین بجهت عزت و حرمت

با خود دارد لوح در پشت صفحه نگاشته شده

که واضح باد

محبت یا نصر

زبانبندی دشمن

حرمت عزت

pair – jin nāparizi fear of jin

دخواص دفواید این لوح بسیار است

الغفة	حبیب	کمان	منا
ملله	الغفة	حبیب	کمان
الغفة	ملله	الغفة	حبیب
جمیعا	الغفة	ملله	الغفة

بجهت ناپرهیزی جن حضور دارد

نقع	ولا	لاحک	ارتجع کماتشاء
زلا	نفعة	ولا	لاحک
بالله	الا	نفعة	ولا
العلی العظیم	الله	الا	نفعة

روایت است از ابن طاوس در کتاب سعادات از امیر المؤمنین علیه السلام نقل نموده که هرکه

این حرز با خود داشته باشد از او نه رسد طاعنه نه از دزد نه از شمشیر و هرکس این

حرز را بر پوست آهو بنویسد و بر بازوی خود ببندد در هیچ جهتی او غالب نشوند

و جمیع دشمنان را مغلوب سازد و چشم و رخانه کند الا از دزد و حرامی و غارت کنند

محفوظ باشد و باید این حرز مبارک را با مشک و گلاب و زعفران بنویسد در بازو

ببندد و هیئت اهماه اوونای در و سومایع ه مالحان حملوحیم

بانضر وارد

عیب

سلطان

ساهو

ساهو مراه اسراهساه اد یانواه ساهای ه الو هی ه

السهساه سهماداه اوداد ه صعوان ه هوهو بواره

اگر کسی خواهد در چشم مردمان عزیز و شریف باشد بنویسد این آیه والقیت علیک محبة

منی ولتصنع علی عینی اذ تمشی اختک فتقول هل ادلکم علی

من یکفله فرجعناک الی امک کی تقر عینها ولا تحزن وقتلت

نفسا ونجیناک من الغم وفتناک فتونا بمشک و زعفران بنویسد

که اثر عظیم دهد و با خود دارد و در محل نوشتن سیصد مرتبه همین آیه را بخواند

و بر تعویذ دمد و هر بار رفتن رست [illegible] باب بنویس در روز یکشنبه با عدد شمس

که اول روز است این دعا را بنام کسی که خواهد و نزدیک اثر دفن کند

یا عجیب بیض ه ه ه ه ه یا یاه کسع کسلمع

که ه مرمرمو مو وهه هه ۲۲۲۲۲۲۲

عجیب
یا ضرادد

عجیب
آتش
روز یکشنبه نوشته شود

ا ع ا ع ا الهطسهطح الهطسهطح العهعهعس

العصسعس اخذت قلب فلان ابن فلان علی حب فلان بن فلان

العجل العجل العجل الساعه الساعه الساعه الوحا الوحا الوحا

باب بیاور مصطکی و موم کاربقوصه و این حروف را بران نقش کنی و در

آفتاب کذار چون تابش آفتاب بان رسد آنکس بیقرار کردد مجرب است

ح ح ح ح ه ه ه مهه مهه مهه مهعه مهعه مهه

مهه سوختم دل و جان فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان النار

النار النار الحریق الساعه العجل العجل العجل الوحا الوحا

الوحا باب المحبه نظر بند کویند از زن و مرد از نزدیک و تا جایک بنود ابد

بر پاره کاغذ و صورت آدمی بکش و این تعویذ را درمیان صورت

پاره نمد انان و پاره ریسمان بر کیرد و جهل و یک کره بزنند و بر هر کره

ببرند

مهیت

مسئله

ازنت

که بهر نفی یکبار این آیه را بخوان وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم

فاغشیناهم فهم لا یبصرون و یرجعون وان زه کطرن وریهان

درکدون صورت بیند دور باد پشت ببیا نه نه دور جائی که تم باشد پنهان کن

حقیقت الی نظر آنکس بر همه کس بسته کرداند بفرمان خدای تعالی وتقدس

۶۹ بس ۳۱۱ سو ۱۶ عو ۱م ۶ ۲ ح ۹۱۴ ر ۳ ۱۱ ۹ ۵ وم مهر ۱۱۱۱ ۸ ۶ ع ح ۱۰ ۳ ۱۱ صلح

بنویس بر دیوار خانه کیک بر طرف شود هلیاهلشاباب در سهمای آفتاب

This prayer does away with fleas in a house

و این تصرف است در جمیع اعمال آوردن شخص بحق حق بگیر دانکس مهنک را در

وقت مهر در نیت کند که این را بجهة فلان شخص میخوانم و این اسما را هفت مرتبه

بدان مهنگ بخوانند پس آتش حاضر کن و در وقت انداختن مهنگ را

در آتش انداخته آن شخص بیک چشم زدن حاضر شود و اگر اول نوبت

حاضر نشود عمل را از سر گیرد که عمل تمام شود در ادای روز جمعه باشد بسم الله القدیم

والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیامه العجل العجل العجل الع
الساعه الساعه جهت مطالب دنیوی وافزونی این آیه را بخوانند هرکه این آیه را
هزار بار بخواند هر صاحب حاجت طلب نماید روا گردد انا نحن نزلنا الذکر
وانا له لحافظون هرکه این آیه را بر کاغذ نویسد و در میان متاع و متاع خود
نهد اسباب رزق او بسهولت مهیا گردد و اگر بر چوب نوشته در باغ ترکیب کند میوه
آن بسیار شود والارض مددناها والقینا فیها رواسی وانبتنا
فیها من کل شیء موزون وجعلنا لکم فیها معایش ومن
لستم له برازقین هرکه این آیه را بر قطعه حریر زرد نویسد بزعفران
و در عود حل کند و بموم و کندر با یکدیگر کوفته بخور کند و با خود دارد رفعت
و قدرت و علو مرتبه او بجائی رسد که بر همه کس مقبول القول گردد
انه کان صدیقا نبیا ورفعناه مکانا علیا از جهت کشادگی

تفریق

فروش متاع

جهت علوم
یاد گرفتن

a general prayer for all needs & the read 1,000 times

if write on a board & put in a garden, the crops increase

بخت و حیران بلبث بکنوبت این آیه را بخوانند البته تزویج واقع شود

ربّ اشرح لی صدری و یسّر لی امری و احلل عقدةً من

لسانی یفقهوا قولی دیگر اگر کسی را درد سینه باشد این آیه را بر قدری

آب بخواند سه مرتبه و با و دهد تا بخورد شفا یابد اگر کسی را حال پریشان باشد

هر صبح امری او را اثبات نباشد این آیه را بر پیشانی بنویسد بقلم آهنی و بخورد حال ر

او نیکو شود قد کان من بعد فقد اصبحوا مستنجمون من اصحاب الصراط ط

السّوی و من اهتدی رزبدیث نی و بر گردانی حلقه شود هر کس این طلسم را

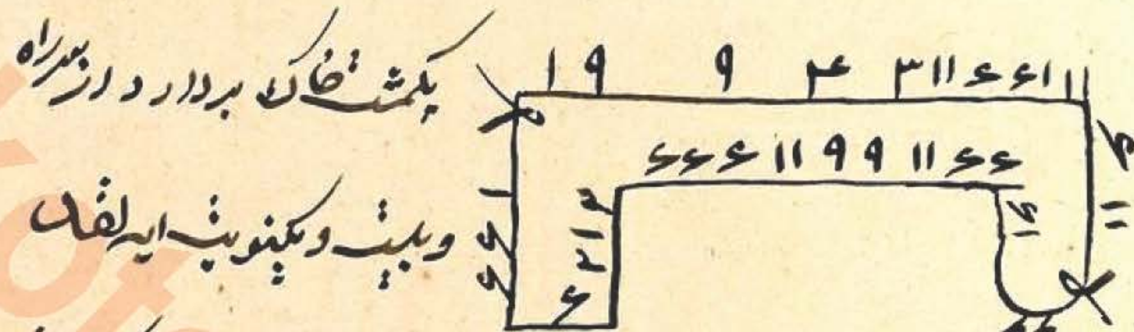
با خود دارد در راه مانده نشود هر که این را در آب روان اندازد و بر خود را

بدان بشوید سحر و جادو بدان که باشند باطل شود و اگر در کف دست

حرف بنویسد بر دو حرف با سین سفید با سیم هر که خواهد و بر روی خود مالد

و در پیش آنکس رود دوست و گردد طلسم در صحیفه مقابل است

سیمبث حاکی



یکمشت خاک بردارد از رهگذر

و ببیت و یکنوبت این لفظ

علیعلیکم حاتکم تا العظیم بران خانه و بمشت گرفته

در هنگام فرصت به پشت مطلوب زند و قدرت الهی را مشاهده کند در محبت

اثر تمام دارد از قول محمد سکاک که اگر خواهی دم تو کیمیا شود چنانچه هر خواهی

از حب و بغض و غیب باید که طلسم را در وقت تحویل آفتاب به برج حمل باشد

اگر بدطالع یا اسد باشد بهتر است ما عا بب ببند و طلسم اینست

اگر خواهی [illegible]

بدانکه در شهری که مردی کارت نکوبت باشد اسم خود و مادر خود را حساب کرد دایم

و اسم آن شهر را ضم کن و مجموع را جمع کن و چهار چهار طرح کن اگر یکی ماند بد

و اگر دو و سه ماند نه و چهار رنگو چون چنین کن شد ...

Telism for love

خمیر کن و برابر هم غلوله کن و اینده را بنویس و اسم هر کس که خواهی در

تحت انده را بنویس و در میان خمیر گذار و در ظرف اب انداز هر کدام

بر سر اب اید دفع باید باعث ادرکن اکلسو اکلسو اکلسو لجق

حمعسق و لجق ||| ا اا هر کس این شکل را بنویسد و بر

بازوی طفل بندد ا به بیدون نیا الله و اکر بیرون الله اندک باشد

در وقت عمل خیر شدن سی سی سی وما فرعسه | سی سی س اوکرس اوس نار وما فرعسه

دفع وکت نیش و صلح باید خاتم خیر بنوید و در دست کیرد تا اثر کند و خاتم

خیر اینست ✡ اا ▭ ✡ هو

داکر عمل شر کند نیش بغض و عداوت باید بوقت عمل خاتم شر بنویسد و در دست

کرد ۹۹۹۹ د ۹۹۹۹ ۸ و جهت دم رواۓ ارحل و

عقل در وقت نحوسست به ہر حکم باید سیما سرطان ا الدلنده ما خو ذلله

هر که دعا را مداومت نماید رزق او ١٩١٥١٩٩٤١١١٩ ١١٦ ١١ ٩٩

رزق او را چیزی برسد که گمان نداشته باشد اَللّٰهُمَّ اَقْذِفْ فِي قَلْبِي رَجَائِكَ

وَاقْطَعْ رَجَائِي عَمَّنْ سِوَاكَ حَتَّى لَا اَرْجُوا غَيْرَكَ وَلَا اَثِقُ

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الْعَظِيمَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَا

سْتَغْفِرُهُ وَاسْتَغْفِرُهُ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

هر که این پنج آیه را پنج مرتبه بخواند صاحب حاجت او را روا سازد اگر دو اکثر

پروردگار او نباشد بسم الله الرحمن الرحیم رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا

سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ اَخْزَيْتَهُ

وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ اَنْصَارٍ رَبَّنَا اِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْاِيمَانِ

اَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ

عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا

If this prayer is read 5 times God will remove the special need of the person, if he is not God (parvardegar)

٢٤

علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد
برحمتک یا ارحم الراحمین در مهج ابن طاوس از حضرت امیر المؤمنین
مرویست که هر کس که روزی بر وی متعذر شود و بسته شود راههای طلب روزی
بر وی در زندگانی خود پس بنویسد این کلام را در پوست آهو یا در پارچه پوستی
و بر خود بندد یا در جامهای خود قرار دهد که پوشیده است و همیشه همراه داشته باشد برای
او درهای طلب معاش باز شود از جائی که گمان نداشته باشد و آن اینست
اللهم لا طاقة لفلان ابن فلان بالجهد ولا صبر له علی البلاء ولا قوة
له علی الفقر والفاقة اللهم صل علی محمد وال محمد ولا تحظر علی فلان
رزقک ولا تقتر علیه سعة ما عندک ولا تحرمه فضلک ولا تحسمه
من جزیل قسمک ولا تکله الی خلقک ولا الی نفسه فیعجز عنها
ویضعف عن القیام بما یصلحه ویصلح ما قبله بل تفرد بلم

شعثه

شعثه وتول كفايته وانظر اليه في جميع اموره انك ان وكلته الى خلقك

لم ينفعوه وان الجئته الى اقربائه حرموه وان اعطوه اعطوا قليلا ونكدا

كثيرا وان بخلوا فهم للبخل اهل اللهم اغن فلان بن فلان من فضلك

ولا تخله منه فانه مضطر اليك فقير الى ما في يديك وانت غني عنه

وانت به خبير عليم ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد

جعل الله لكل شيء قدرا ان مع العسر يسرا ومن يتق الله يجعل له

مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب از جهت عداوت بر كبر د خاك چهار راه واين

آيه را جهت دشمنی بدان خواند و در خانه آنکس بیفشاند خصومت پیدا شود والقينا

بينكم العداوة والبغضاء الى يوم القيامة العجل ٣ الساعة ٣ چون خسوف شود اول

خسوف در برابر ماه ایستاده یک فوفل فرو برد به نیت دوستی هر که منظور باشد واگر کسی منظور

نباشد به نیت محبت خلایق و چون خسوف با نهار رسد باز در برابر ایستاده و یک فوفل

دیگر فرو برد و چند روز هنگام غایط متلطف شود چنین بر آید این سطر هفت مرتبه بخواند بر فوفل
اول خوف و بخورد مطلوب دهد چنین حب او به بر آید و سواد کشد فوفل ثانی را بوی
بخوراند که مجرب است کالیکا کره یک پیچی پیچی تلی رنجا مودی او پا
و کدا و تاران بنی بنی کت کتا اون مبرا کر پندا پند اکره و
پیچی پند اللجب این تعویذ را بمشک و زعفران بنویسد و بمحبت و پیکرا به [illegible] و
به هر یکی یک بار قل اعوذ برب الناس بخواند و در میان حل کند و هفت سوزن در اطراف
آن دل زند و در ضمیر کرده در هیمه آتش دفن کند با اسماء اربعه انا جعلنا فی
قلوبهم اکنة ان یفقهوه و فی آذانهم وقرا و من الناس من یتخذ
من دون الله اندادا یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد
حبا لله و القیت علیک محبة منی و لتصنع علی عینی الساعة
السلعة السلعة ح ح ح ا ا م م ط ح ح ح م ع ا ۳ ا ک ۸ ۱

محبت علت آتش در باطن

محبت احضار زن و مرد

۱۹۶۹۷ح ۳ ۱ ۸ ۱ ۳ ۱ ۳۱۲

۱م ع ک ۳۱۲ ک ۸ ۱ هو رنمه دیگر دیده شده طلسمات چنبر به

۲۲۳۲ ح ح م م ط ۸۸ را ع ۳۱ ک ۳۱۹۸ ۴ه ۱۱ط ۳ ۲ ع ع ۴

بنویسد برکاغذ بکدکونه کران بکبرد و در آتش دفنی کند باسم فلان بن فلان

علی حب فلان بنت فلان یا عطیح یا دعلیح یا سعلیح یا ابلیس

انتم فی خمسة ستیا طین عشاث مستمردین اجلبوا و احرقوا

قلب و فواد و سمع و بصر فلان علی حب فلان بنت فلان بحق هذا الاسما

ک ۹ ۲ ۱ ۳ مح ع ۲۱ ۲۱ ۱

۴ع۲۱ع۲۱۱۲۹۲۱م ۳ص۳ ع علد ۹ ۹ ۱ ۲ ۷

بنویسد بر پاره حریر و این طلسم را برابر بنویسد و فتیله کند و در چراغ نو نهد و بر دغن

کنجد بر افروزد و پاره عود بر آتش نهد بوقت فتیله یکبار سوره اوحی

برا

حسین ... سیاوه

۲۶

براو کن اندوه را نکوید السلام علیک یا اهل الجن والوسواس

از شما خواهم فلان بن فلان را بیاورید بحق کلام خدای

عزوجل که هنوز تمام کرده باشد از اطراف برآید بار دیگر بگوید درکشای بار سیم

درکشای که بغایت مجرب است

طا ۱۱ ع ۱۱ ط ه

طا ۱۸ ۱۹ ۱۸ ۲۶۳۵۵۱۱۱ م ح ط ا ع

ح ط طم ۱۱۱ ۶۱۹ ۱۱۱ ۱۱ ع ا

بنویسد بر کاسه چینی و بشوید و بزنان نازا دهد تا بخورد بفرمان خدای تعالی بار الله

الله تعالی جد ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولدا

شرح نماز حاجت روایت از خاجه ابوالقاسم حکیم گوید در علم الغیب است از

خاتم و خاجه عبدالله گوید من این نماز را بالله و هزار حاجت از حق تعالی

خواستم

خواستم نهصد الف و نه صاحب فی براید و یکی حاجت مانده وان دار بیچون حضرت عزت وجل اسمه آیت

و امید وارم انهم روا شود وام داشتم ببرکت این نماز وام کذارده شد و خدای تعالی مرا چندان مال

داد که نهصد خروار کندم از معیشت من زیاد می آمد و شرط این نماز آنست که در شب جمعه پیش

از صبح برخیزد و جامه پاک در پوشد و دو رکعت نماز بگذارد و نیت چنین کند دو رکعت نماز

حاجت میگذارم سنت تقرب کند الله اکبر در رکعت اول بعد از الحمد هفت مرتبه قل یا ایها الکافرون

بخواند در رکعت دوم بعد از الحمد ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و تسبیحات رکوع و سجود را هفت

مرتبه بخواند و چون سلام باز دهد سر بسجده نهد و بگوید ده مرتبه سبحان الله والحمد لله

ولا اله الا الله والله اکبر و ده مرتبه یا غیاث المستغیثین و ده مرتبه استغفر الله

من کل ذنب واتوب الیه و ده مرتبه ربنا آتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا

عذاب النار و بعد از حاجتی که دارد بخواهد این نماز مجرب است حرز شمشیر و تفنگ

روز چهارشنبه سوم بنویسد با بخور پنج اسم القلم چ و چهار اسم دیگر را

جهت

بقلم حرف بیک نقش باید نوشت و بر بازو ببست و پشت بر آفتاب براند در میان آب تا کون

در نور آب نشسته نبوید مجرب است واللسون واللّد واللهون اولیون
هال هور

مبسطرون و اگر خواهد کسی را مطیع گرداند بر سه پاره چوب عود سوره یس را بخواند
الو

و بر جای خواب بانشسته او دود کند صد فرسنگ دور باشد بباید بدانکه در سوره یس

هفت مبین در مبین اقت امام مبین است صاحب بخواهد چنانکه بگوید قلب جوارح

فلان ابن فلان را بدرفی ... کی و بر مبین بر کلمه یکوید مشک و زعفران بسوزاند و در

آخر ختم بیک قول بار صاحب بگوید مقصد حاصل شود اللهم یا طمهال اد

غش ادغبش شلفنون برحمتك یا ارحم الراحمین و سبب بادام مغز

بادام و بعض نسخه مغز بادام نوشته است و هفت بار سوره یس بران بخواند و بدهد

و با کسی دهد تا بخورد دیوانه شود در محبت هر کس باین دستور عمل کند رنج ادضایع

نشود اگر خواهد کسی را از عشق خود بیقرار گرداند باید در چهار و یکپاره سنگ ریزه

و بر ٨ الد

وبر هر یک یکبار یس بخواند و در کوزه کند و سرش را بموم بگیرد و یا در آتش داغ یا در گلخن حمام در زیر

آتش نهد آنکس از عشق بی قرار گردد باب و ده چهل پاره کند تا در سه با سوره یس بران بخواند و بران

بدمد و در وقت بر آمدن آفتاب روز آدینه یا شب پنجشنبه در آتش اندازد بالبوحه آنکس از محبت دیوانه

گردد اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی بر چهل پاره نوشته در هفت مرتبه سوره یس

بخوان و در جامه آنکس به پیچ و در خانه تاریک پنهان کن آنکس دیوانه شود اگر خواهی کسی را

دوست خود گردانی بیار پاره شکر و هفت بار یس بران بخوان و بر وایتی سه بار و بران بدم

و بخوران آنکس ده که بغایت مهربان شود و اگر خواهی کسی را مهربان خود گردانی بیار و چهل

و یکدانه فلفل سیاه و سه بار یس بران بخوان و بروایتی سه بار و بران بدم و فلفل را

بابی و در میان فتیله کن و در چراغدان بگذار و بار و غن کنجد بسوزان در عین بیست و چهار

بهی اگر خواهی کسی را محبت خود گردانی بیار یکمشت مویز سیاه و سوره یس یکبار بران

مویزها بخوان تمام بخواند باشد صاحب روا شود و اگر خواهی جادوئی برتو نکند

۲۸

وکرده نیز باطل کردد و برشکار بکند بیا ۳۰ دانه گندم و ۳۰ بار یس بران بخواند بنیت

باطل السحر و سورت فرو برد باطل گردد و بیار چهل و یکدانه پنبه دانه و ۳۰ بار سوره یس

بران بخوان به نیت عقد السان و در خانه خود یا در خانه دشمن پنهان نماید زبان

دشمن بسته گردد بفرمان خدای تعالی اگر خواهی زبان دشمن بسته گردد تا مرگ

بیا و ریکسر گوسفند نر و اگر زن باشد ماده و هفت میخ آهنی بدر از یکمشت باشد و سر

میخ یکبار یس بنام او و مادرش و هفت بار تعویذ را از انجا که الذین الست تا انجا

که فاغشیناهم فهم لا یبصرون و در آن شو بد خوانده را در چشم کله نهد و دو

در چشم دیگر اند و یکی را در گوش راست و یکی را در گوش چپ و یکی را در گلو و بعد

از آن کله را در کرباس سفید بپیچد و در چاه انداز که از آن آب بر نگشتند

که هیچکس نتواند کشید مگر آنکه کله را بسوزاند و اگر خواهی که کسی را

ببندی بیار هفت تار ریسمان و هفت گره بزن و ۳۰ بار سوره یس بران بخوان

و بدم

جهت
[illegible] بسته
ورق

۸۱

دیدم و محکم بکش چون هفت گره بسته شد زبان دشمن بسته شود و اگر خواهی مهر را ابتدی

سوره یس را بر هفت پاره نان بخوان بنام او و مادرش و نان را سگ ده تا بخورد مراد حاصل

شود و عجب ببینی و اگر خواهی که همه کس به بندی بکو بسم جمیع زنان و دختران بنی آدم

و بنات حوا و اگر خواهی کسی را تفرقه اندازی و جدائی کنی بیار کوزه ای و چهل و یکبار سوره

یس بر آن بخوان و بدم و کوزه را بر زمین زن تا بشکند که از معجزه است و اگر خواهی میان

دو کس جدائی افکنی بیار پاره خاک از سر چهار راه و هفت بار سوره یس را بر آن بخوان

در ساعت نحس بنام دو دشمن نام و مادر ایشان و خاک را در خانه ایشان بپاش بساعت

زحل یا مریخ باید در روز شنبه یا روز سه شنبه جدائی افتد در میان ایشان و

تفرقه واقع شود و اگر خواهی میان دو دشمن نزاع و جنگ و جدل پیدا شود بیار پاره

تخم جاروب و یکبار سوره یس پاره خاک مرده و با هم بیامیز و بار دیگر یس بر آن بخوان

به نیت دو دشمن و عداوت چون تمام شود خاک را در خانه دو دشمن پراکنی جدا کند

که جدائی افکند در میان ایشان تفرقه و قطع شود و اگر خواهی کسی را که دشمن باشد دایم در

عداوت باشد و خواهی که او را هلاک کنند از چهل و یکبار کهنه خاک بردار در روز سه شنبه

در اول روز که هفته اول ماه باشد و چهل و یکبار یس بران بخوان و خاک را در خانه دشمن

بریز در البته ویران شود و دشمن هلاک گردد اگر خواهد که دشمن را هلاک کند در شنبه کند

و سه بار یس بران بخواند در آخر ماه در آخر روز بنام آنکس بعد از آن شیشه را در گورستان

کهنه در زیر مهره دفن کند چون سوسمار بمیرد دشمن بمیرد دیگر هر که خواهد که دشمن هلاک

شود بگیرد یک موش صحرائی در کوزه کهنه که آب او کهنه باشد و یکی و بعد از آن ایهان سوره را

بعد طاق بخوان در میان آن قبر دفن کن چون موش بمیرد دشمن نیز بمیرد و اگر یس را

به نیت هلاک دشمن نوزده بار بخواند بر پاره خمیر در آخر ماه در ساعت نحس بعد از

آن دو صورت آدم به نو و چهل و یک سوزن و بران صورتها نهد و بیست

و شصت سوزن بران خمیر زند و بعد از آن در گورستان دفن کند دشمن بمیرد

اگر کسی

جهت جدائی

جهت مردن

جهت هلاک خبر

برای دشمن

جهت

اگر کسی پس بر خشت درازگوشان باشد نه و نه بار بران بخواند هر را خواهد ببینی است چون بدانجا

رسد یک کالبد بر خشت زند و باید که تخته درمصحف بران کند الحمد شده باشد بران بکند الف و خشت را در

کرباس بپیچد و بعد از آن نماز مصحف بران بکند لله و خشت را در چاه الله للفو آب آن کند بیاشد

چون خشت گداخته شود دشمن بمیرد دیگر از جهت محبت سوره را بر چهل دانه فلفل یا گندم

سه بار بخواند در وقت طلوع آفتاب یا روز جمعه یا پنجشنبه تو را آتش اندازد بیقرار گردد

بیار هفت تار موی آنکس را و بر هر تار موی یک بار سوره یس بخوان و گره بزند و بدیت

خرچنگ بند و در آب اندازد از محبت دیوانه شود دیگر بیار هفت میخ آهن که

به درازی یک انگشت باشد و بر هر یک یکبار یس بخوان در ساعت نهد در زیر آتش نه

د از محبت بیقرار شود اگر خواهد چشم کسی تو را نه بیند در خانه خالی بنشین و مشک

و عود و مشک و ضماد در او کن و بهشت و یکبار سوره یس بخوان و بخور بدم و بعد از آن

خانه کسی تو را نه بیند بقدرت خدا تعالی الکرسی را بر کرده کو بفقد بخواند بشرط

الکه در این سوره هفت جا یکاه میمی است هر میمی دو رد فاتحه الکتاب یک بار بخواند و بران

کرده دمد و در خانه آنکس در زیر خاک کند تا آن آنکس بسته شود تا هفت سال مجرب است

اگر خواهد زنی یا دختری را ابنکاح خود یا دیگری در آورد باید هفت مغز بادام درا بریشم بند

بپیچد و در زیر انار یا امرود دفن کند آن زن یا دختر آید به عقد او در آید از معجزه و مجرب است

و شرح این باب راست مختصر کردیم عشق اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار کردانی بنویس

بر نان گندم و بخورد گربه سیاه دهد بیقرار کردد و دیوانه شود است

4 If one desires intense love from the lover, write the talisman below, on bread, & give it to a black cat to eat –

اطهج ااا اسم ع ع اا ۳ اار سح ۱۵ ا د ا د ا

عمل مرتبه

بنویس در روز شنبه در شعور آتش انداز عجب ببینی

ا ۱۱۱۱ ۲۶ ام ۸ ۸ ۱۱۹۱۱۱۸ ۱۹ ط ۱۰ ۱ اااع ۷ اط ۹ ع طا طا ا ه اط ۱۰۱

محبت
آتش

اا ااا مع ام ۸ ۸ ااا اسم ۲ ۹ ااا ک

آتش
محبت

اگر خواهی کسی را از محبت شیفته کردانی بر ورپاره مس یا آهن و قدری استخوان و اندازی غیر را

بران بخوانی

بران بخوان در آتش بگذار در پیاله شو بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم

یا اصحاب السحر والوسواس من جنودی ۷ اعطف ۷ احرقو ۷

مرجع ۷ لعلی ۷ اصبا ۷ بهوا ۷ نرتقو ۷ ادحم ادحم ۷ بلیهوش

۷ برخیا ۷ وهوا ۷ مراد ۷ مشکلا ۷ نوح ۷ یا رحیم ۷ بری

۷ کالبد ۷ ابح ۷ علیش علیش بحب فلان بن فلان بعشق ۷ بمهر ۷

ببحوش ۷ بمحبت ۷ فلان بنت فلانه ۷ الساعة العجل ۷

امین یا رب العالمین برحمتک یا ارحم الراحمین اگر خواهی کسی را دوست

حفظ کن هفت پاره شکر سفید این نامها را بران بخوان و بخورد آن کس ده و باید

در کوزه آب اندازد آن کس بخورد بیقرار شود و بی آرام گردد

۴۴۴۴۲	وامعومه

مع سح سح سے	۲۲ علی محمد ۱۲۰۲	۵ ۲۲ مع مح

1202 Mohamm Christ 22

بنویس این طلسم را بر کاغذ بنام

۱۲ د م	م م م ح م
	۲ ۲ ۲

انکس که میخواهی و نام مادر او و خود و در زیر استانه او پنهان کن تا عجایب بینی اینست

ه ۱۱۱۱ع ۶۹ ۱۱۱کر ل ۷۷ ط ۱۱۸۱۱ ۲۶ ک ۱۱۱۹ ۱۱۱ ۱۱۱ ۱۱۸ ۱۱۹ ص

الف بنویس بر شانه گوسفند ناگشته و در آتش انداز تفحص کن و آن اینست

بکیر سعر سر انکس که ب ه و هفت بار این افسون را

بخوان بنام خود و نام مطلوب و در زیر بالین او

۱۲۸۱۱ عه
۲۲ ۱۲ ۳

گذار که خواب او بسته گردد رفتم دهان

کوه سیاه او ردم سیصد و شصت دیو سیاه بستم خواب فلان

ابن فلان نا نگشایم کس نگشاید باب هیا و یکه دو و دو حصه کن

و این اسمارا بر ورق ا هو بنویس و در میان آن گذارد و بعد هم نصفه در میان خاک تر

کرم

کرم کند الله نونه یوم منت علیکم یا معشر الجن والا بالسر والله ناهشته

والعمار والوسواوسدا اقسمت علیکم بالاسم الذی حل به

عرش بلقیس الی الا الا الا او فلشاه شهر میشر هاهیش

شاهش سهمس طهمس مطرش بحق هذه الاسماء الی ما عجلتم

وارجعتم وجنتم وحلیتم در قلب فلان بحق هذه الاسماء المقدسه

مم ه لهاما ۷ الا ۹ وچون کرد دارانش کند الله

بخور کند حس لبه سندروس نمک مقل ازرق واین عزایم بخواند اجیبوا

داعی الله امنوا ندا انی یا معشر الجن والشیاطین ومجالث

دوم الجمان والحبزا یو القیلاون والحار فاعطس هطرش

هجلش شمعش شلیش هجلیس کلمس سلمویش بحق نعلم الم

القادر علی سر و علی هر کس هر چه خواهد عیب نکند این را

Mara = mosquito

Azrak - name of a devil

Jin & Satan

بجوشانند چای شود مجربست گل سرخ بنفشه تخم کاسنی کرفس ریشه مهجو بر مادرا شاه تره

۲ ۲ ۲ ۲ ۲

رازیانه ببویه جوشانده روز هر روز با شش مثقال شکر سفید بخورند قرص روز نخواب

فتیمه شوربای شوید بخورند گشودن بخت و دولت در روز سه شنبه و جمعه دو رکعت نماز بکذارند

و در هر رکعت یکبار الحمد و پس یکمرتبه در بخت و دولت گشاده گردد و اگر کسی را فرزند

بمیرد و سلامت نماند این تعویذ را بر چهار پاره کاغذ بنویس و در چهار گوشه دفن کند فرزند نمیرد

حسبی الله وکفی بالله ایاک نعبد وایاک نستعین لاحول ولا قوة

الا بالله العلی العظیم انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم

الا تعلوا علیّ واتونی مسلمین قال عفریت من الجن انا آتیک

به قبل ان تقوم من مقامک وانی علیه لقوی امین فالله خیر

حافظا وهو ارحم الراحمین دفع چله سنگ بنویس در موم گیرد و سه چهارشنبه

بحمام رود و در بیرون طاس اندازد و آبش را بر سر ریزد و بعد از آن دعا را هیکل

کمر

نمصر برمن رخع اندللف لبسم الله الرحمن الرحيم الله الملك المبين محمد رسول الله

صادق الوعد الامين ايه شهد الله بالاسلام ونوره وحكمته وبرهانه

وقدرته وسلطانه بامن لاينام اصرف عن حاملة الدعاء شر كل

جني وجنيه والنسي وعن لد وشر ابليس وجنوده واتباعه

ومن كل همزات شياطين واعوذ بك رب ان يحضرون فالله

خير حافظا وهو ارحم الراحمين لقطع دم الدستي ضه شق على المراة

من قدام اح د د طرك ات ح ص ع وانضران الذي فرض عليك

القران لرادك الى معاد لكل نباء مستقرا مستقرا ثلث مراة لا حول

ولا قوة الا بالله العلي العظيم ثلث مراة امسك بالذي اوحى

اليك وقيل يا ارض ابلعي ماءك ويا سماء اقلعي وغيض الماء

وقضى الامر واستوت على الجودي وقيل بعدا للقوم الظالمين

جهت دو سر منقولست از حضرت امیر المؤمنین ع بنویسد و بر سر چوب اندازند اینست

کشودن طالع و خزان بنویسد و در آستانه خانه نهند اینست

٣	٥	٩	١١	٩
٢	٢		١١	٩

ه ا ه
ه ا ه

بجهة آسانی وضع حمل بنویسد و بر ران راست بندد اینست

١٣ ع ١١ ط ٨

دفع بخواب طفل و تحسبهم ایقاظا وهم رقود و نقلبهم ذات الیمین

مع لای مع لای مع مع

ه ٩ ٣١ ٢ ٩ ه

و ذات الشمال وخشعت

الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا والقیت السکینه

والنوم والقرار علی فلان بجهة سرفه سیاه بر نان جو با مغز کرده شده رور (?)

نوشته بخورد ه ا ه ا ه ا

بجهة سرفه سیاه بر پوست کدو نوشته بر گردن بندد (?) کلا

اذا بلغت الحلقوم وانتم حینئذ تنظرون ونحن اقرب

الیه منکم

Whooping Cough

الید منکم ولکن لا تبصرون بجهة سرفه یا حفه دا او بسم الله الرحمن الرحیم

فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین یا الله یا محمد یا علی یا حسن

یا صاحب الزمان ادرکنی ولا تهلکنی یا ابا الغوث ادرکنی یا

الحسن ادرکنی یا علی ادرکنی یا امیر المؤمنین ادرکنی یا

فاطمه اغیثینی اخرج ایها الداء باذن الله وباذن امیر المؤمنین

فان لم تخرج فعلیك شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران وننزل

والقرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ایات افوندا هفت مرتبه برآب بخواند وبدهد

بخوردسحر باطل گردد سلوساجا سوسا ماساسا هر که سوره طه در خرق

سبز بپیچد با حفه دا او بر وی تمام اوراق صرف شود بجهت نشت و محبت روی

نماید هیچ کد چهار ان شود در جای خلوت رو بقبله به دو رکعت نماز بگفتی هزار

مرتبه بگوید یا مغیث اغثنی بحق بسم الله الرحمن الرحیم

یا صاحب المرئی اغثنی بحق طه ویس و صد مرتبه بگوید ادفع العظیم بالعظیم

وانت اعظم من کل عظیم ابن بابویه بسند خود از امام حسن عسکری روایت کرده

بجهة افزونی خدم وحشم ومال وثروت وعزت و دفع کید اعدا بعد از فریضه صبح

بلا فاصله سوره توحید و معوذتین را بترتیب بخواند و بعد بگوید بسم الله الرحمن

الرحیم یا مالک الرقاب وهازم الاحزاب ویا مفتح الابواب

ویا مسبب الاسباب سبب لنا سببا لا نستطیع له طلبا

بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله چون بکلمه

سبب لنا برسد مطلب را بخاطر گذراند الفه رب انی مغلوب فانتصر

بواسطه هر مطلبی باشد و خواهد که بکسی بگوید در شب قبل فردا آن مطلب را اظهار

کند باید ۹۹۹ مرتبه بخواند هر صبح آن شب که قرائت کرده برابر آن شخص

رفته ۹ مرتبه بخواند کفایت مهم شود پنج به ربیعه در شب ۲ رکعت نماز بکند الخ

بکند

بجهت وسعت رزق دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه سوره الم نشرح بخواند

و یازده مرتبه این آیه را تلاوت نماید ام عندهم خزائن رحمة ربک العزیز الوهاب

ام لهم ملک السموات والارض وما بینهما فلیرتقوا فی الاسباب

و بعد از سلام هزار و یک مرتبه بگوید یا وهاب و بعد حاجت خود را از جناب اقدس الهی طلب نماید

که بر الله است و حق تعالی عطا کند یا گنجی از گنجهای خود و خزائنی از خزائن خود و توانگر گردد

در کتاب طب الائمه از موسی بن جعفر ع مرویست وقتی داخل میشوی بر پادشاه ظالم وقتی

که او را ببینی بخوان یا من لا یضام ولا یرام وبه تواصلت الارحام

صل علی محمد وآل محمد واکفنی شره در کتاب دفع الهموم والاحزان

نوشته وقتی بنزدیک پادشاه ظالمی بارز یکبار بگو در روی او حسبی الله

ولا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم و باز

بخوان در روی او واطفأت غضبک یا فلان بلا اله الا انت بار

در همان کتاب نوشته وقتی که کسی میخواهد چند دفعه بگوید الله ربی لا اشرک
به شیئا هیچ ضرر نمی کند تو را جهة دشواری زاییدن حامله بنویس بر پوست آهوی این
کلمات را یا بر کاغذ باید بر پیمان ببندد و بر ران راست حامله ببندد و چون وضع
حمل شود باز کند بسم الخ کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا
ساعة من نهار کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او
ضحیها اذ قالت امرأة عمران رب انی نذرت لک ما فی بطنی
محررا از جهة قوه حافظه این حروف را بمشک و زعفران بنویسد و بشوید
و بیاشامد بخورد سعلصعسا و سعلصعسعالف او
سعلصصلحو الضا بجهة حافظه بنویسد بیاشامد بخورد اگر عاقل و هوشیار
گردد اگر کم عقل بود عقل بهم رساند و حفظ و فهم پیدا کند و هرچه خواند یاد گیرد
و خوش آواز گردد ط١١١٢١١ع١١ه١١١ ٥١١١ ١١١ ط ه در حصول جاه

و رفع

و رفعت ولقب معزول دن هرکه بنبد مرتبه شود نزد خواص وعوام باید دایه واذکر فی

الکتاب ادریس انه کان صدیقاً نبیاً ورفعناه مکاناً علیاً در سوره مریم بنویسند بر قطعه

حریر زرد بزعفران که اجزاء بعد حد که باشد و بعد از اتمام کتابت موم خالص را

بجهت آن خمیر کرده بند فصاد ساند و بعد از تخفیف آن تخمیر کند و بعد از آنکه نوشته

بخور کرده در رهم پیچیده بخود نگاه دارد مطلب حاصل شود و دولت روی نماید اگر کسی

دشمن داشته باشد خطبه ادمرا بخواند و دو رکعت نماز کند و بگوید یا الله فلان را

دوست من گردان و بعد از نماز صدقه بدهد و اگر این خطبه را در خانه بیا ویزد دز ان

خصمان بسته شود و دوست شوند و اگر خواهد دهن مردم بر تو کار نکند غسل

کن و خطبه را بر خود بدم و معوذتین و خطبه را نوشته با خود دارد مکر و حیله

کسی بر تو کار نکند صاحب درة التعظیم هر که مداومت کند بر تکرار این

سه اسم عبارت از الکریم الوهاب ذو الطول معیشت او بعث

۳۶

مبدل شود و رفع شدن او را زجائی که گمان نداشته باشد باو میرسد و بعضی از بزرگان

گفته اند که بسیاری از مردم باین دعا امر کردیم و باین ورد مشغول شدند و از برکات

این چیزها مشاهده کردند که بغایت عجیب و غریب بود و هر روز صبحی و از زینهار

مرتبه باید خوانده شود و عدد این سه اسم هزار و صد و بیست و هشت است اگر

باین عدد بخوانند اکمل و اتم خواهد بود از برای قضای حوائج تمام است که تا نهیده

شدائد است بصلوٰة المضطر و تاثیر غریب دارد و موجب فرج و گشایش است انشاء الله

الله و فرج حیث لا یحتسب اسباب فرج از برای عاجز روی نماید و طریقه

آنست که چهار رکعت نماز میگذارند در رکعت اول بعد از فاتحه بیست

و پنج مرتبه بگوید وَاُفَوِّضُ اَمْرِی اِلَی اللهِ اِنَّ اللهَ بَصِیْرٌ بِالْعِبَادِ و در رکعت

دوم بعد از فاتحه بیست و پنج مرتبه بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّی

کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّیْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَکَذٰلِکَ

نُنْجِی

manner of praying

تنجی المؤمنین و در رکعت سیم بعد از حمد بیست و پنج مرتبه حَسْبِیَ اللهُ وَنِعْمَ

الوَکِیل و در رکعت چهارم بیست و پنج مرتبه لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ الا بالله

العلی العظیم و بعد از سلام بیست و پنج مرتبه صلوات بفرستد و از جانب واهب

العطایا مطلب بخواهد که انشاء الله مطلب بعمل آید و مجربست از برای قضای حوائج

و وسعت رزق دو رکعت نماز کند بعد از حمد ده مرتبه آیه قل اللهم را تا بغیر حساب

بخواند و چون سلام باز دهد بگوید ده مرتبه رب اغفر لی و ارحم و انت خیر الوارثین

و بعد ده بار بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد پس سجده کند و بگوید

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ

مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ نماز برای قضاء حوائج دو رکعت

نماز است که بعد از حمد سوره قریش را پانصد مرتبه بخواند و بعد از سلام

ده مرتبه یا صد مرتبه یا هزار مرتبه صلوات بفرستد و بعد از آن سر بسجده کند الله

٣٧

وبگوید اللّهمّ اغننی بفضلک عن خلقک و ده مرتبه بگوید اللّهمّ اغننی

بحلالک عن حرامک وبفضلک عمّن سواک للغنی تا چهل روز هر روز

چهل و یک مرتبه بگوید یا عزیز هرگز محتاج نشود در میان مغرب و عشا دو رکعت نماز کند

در هر رکعت یک حمد و بیست و پنج مرتبه این و من یتّق الله یجعل له مخرجا

و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکّل علی الله فهو

حسبه انّ الله بالغ امره قد جعل الله لکلّ شیءٍ قدرا

بخواند تا یک هفته از برای وسعت رزق و توسعه مال مجربست هر کس این اسم را

بسیار بخواند نور حق در دل او پیدا شود و از مال غنی شود پیوسته مردمان بلد

محتاج او باشند یا خبیثو آمیثو را ارغنش داد خلیون باب هر کس

مگس را بر نامه به قابه بریان کند و با انگبین ب ید بهر جا که باشد مگس ... نیاید

اگر مگس بمعبد آدمی در بند درجا که مهمانان بر سر خوان نشسته باشند آن مگس

برسر خوان

برسر خان در میان المزدم ندرد حنک و خصومت شود اگر سه عق برا با روغن زیت

بر برص مالند به شود هرکه را قولنج بگیرد گوشت خروس با نمک بخورد نافع بود اگر بول مرد

با خاکستر ملزم کنند و در جائی که رنگ گزیده باشد بگذارند در ساعت ساکن شود اگر موی زن

بسوزانند و در جراحت خون باز ایستد اگر کسی درد چشم باشد شیر زن در چشم

کشد با کچکا بند ساکن شود اگر زن حامله باشد سنگ مقناطیس در دست گیرد در حال

بچه بیفکند اگر آب گشنیز با گلاب در چشم کشد آبله در چشم نبرد و اگر کسی را

خون رز فقیب اید تخم کاشنی را بریان کنند و به خورد و بخود بر دارد به شود

هر که پیه موش بر سر زخم نهد در پیکان رفته باشد پیکان از زخم بیرون آرد

هر که برگ سداب و برگ انجیر و جو زهم بکوبد و بخورد زهر بروی کار

نکند دفع گریه کودک بنویسد در بازو او بندد قل کونوا الحجارة

ممن بی عوه اول مرة و هو علی ما یشاء قدیر ۱۱۱

cure
for bad eyes - fresh
woman's milk
on the …

ص ه و ع ع ع ع ع ع ع ع ع ه ه ه ه و ... ا ا ا

هر که این اسما را بنویسد و در آب اندازد و بجوشاند و در خانه مطلوب ریزد

باو دهند اکر دهند هر کس باشد یا رحیلا یا بوحنلا یا شمخیثا

یا میثا یا سعیتا یا سحیثا بادلك الله علیکم هر که پیش بزرکان

با خود دارد عزیز و محترم کردد ۱۱۱۱ ۲ ا م ر ط ع ع ۷ ۱۱۱۱ العظیم الله المقدرة

و هر که از برای محافظت تیر و شمشیر و هر حربه که باشد با خود دارد بدو کار نکند

مجربست					دفع درد بیتان
	۲	۱۱۱	علـه	۴	
اسم مادر	۲	۱۱ ۱۱	۲	س	موسی بران او بزد
ایلیس	حا	وصفر	لا ۱۱۱	مو صحم صحم	یوخاماد ٥
یوخابید	ه و	علـه	ه	۱۱	یوخا بید

نقلست از شیخ سعد الدین که اکر کسی را لبه باشد این حروف را

بمشك و زعفران

الصفا ابا دی

بعد دهر

ز عتر

و دهشت مرشد

For sore
Heart-
write
~~Moses says~~
name of Moses'
mother

بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و بر کمر بندد گشاده شود و رفع اثر حال بهتر از این

حروف نیست که اصحاب حساب جمع کرده اند و اگر بر گردن حیوانات بندد شیر

ایشان زیاد شود اینست اودم دال زی وکف دف ال ادم

اف اب وال ار کمر داب ب دب ال ق اب ق ق داه مر او

۹ع دف ام ن اف کرس اط اب وی داه وصلی الله علی

خیر خلقه محمد و آله اجمعین این طلسم را روز پنجشنبه زیر زبان

کیرد زبان دوستان ببندد که در دوان اینست در نوشته شده

۱۱۹۱۹ اد ع ۱۱ ۲ ۱۱ ۲ ۱۱ ۹۹ ۱۱ م دفع تب و لرز بر چوب بید

tab o larz

بنویسد و در زیر دامن او دود کند ابلیس ابلیس مجلس ملعون

لعین لعنت ارنوس انف وس فوفوس اگر خواهد بداند

دزد کیست این حروف را در زیر بالین نهد دزد را بخواب به بیند

ح لاح عا حا لفالح ع نوع دیگر لاح عا خلا و الح یلح لو یاح یلح

مح بنویس اسم جمیع کسان باشند سپس بر طاس یا دیگ و انگشتری را بران

طاس یا دیگ نقش کنند و این آیه را بخوانند فادّارأتم فیها والله مخرج

ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی

ویریکم آیاته لعلکم تعقلون پس بگردد آن خاتم تا برابر اسم شخص

دزد پس بتحقیق دزد مال نزد اوست این آیه را بر سفال کهنه نویسد در هر موضعی

که اندازد آن مکان ویرانه شود دیگر عمارت نه بیند و اگر بر پوست آهو مرده

نویسد در مکانی اندازد آن مکان ویرانه شود لیقطع طرفا من الذین

کفروا او یکبتهم فینقلبوا خائبین لیس لک من الامر شیء

او یتوب علیهم او یعذبهم فانهم ظالمون از موده هست هرگاه

کسی را اندیشه در خاطر باشد بعد از نماز خفتن سخن نگوید و این حروف را

در کف

جهت خواب دیدن

درکف دست چپ بنویسد و بخواباند انچه نشانی باشد در خواب باو بنمایند

حملت صحت عت سهب طیعوا علسح فطفشح سحجب

هبعسح طیعوا اغفلح جهت دشوار زائیدن زعفران با زرده

تخم مرغ بخورد با رحم بار سانی کذارد باب درامدن غایب از جور بیاو ر

جهت دیکر ریک و بر هر ریک یکبار سوره والضحی را بخواند و در کوزه نو بریزد

و بر کنار اتش دفن کند تا کرم شود اکر هزار فرسنک دور باشد بیاید و سنکها

از روضه ها باشد جرب هست جهت استحکام دندان با سرکه مضمضه کند محکم شود

خصوصا با شب بمانی جهت درد سر دائمی صدف سائیده با سرکه

بر بنا کوش طلا کند جهت دندان متحرک شب بمانی را با سرکه و عسل مضمضه

کند دندان را محکم نماید از برای کم شدن بر کف دست راست دیف بنویسد

و بکوید که ان دست بر روی خود مالد اب از چشم او بیرون نمی رود

مطلسم ۱۱۱۱۹ مالومه تجربی طلسم طالع هر زن که چون بادی

جمع شود اب در رحم ان بند شود علاج انست که زهره روباه را بار وعن جوز و روغن دوا

المسک و زعفران را با هم ضم کند بطریق اوسط در میان پشم روباه کند و ۳ روز

کیفه بر کیرد و در روز چهارم مرد با او جمع شود بار کیرد و هر زنی که پیرهان او را حکرده

کرده باشند نشان انست که چون مرد با و جمع شود بدان زن درد کند علاج انست

که زهره خرکوش را اب با دوا المسک چنانکه کفته شد ۳ روز فو برد روز

چهارم مرد با و جمع شود بار کیرد و هر زنی که حیض او تباه شود چون مرد با و جمع شود دل

او درد کند علاج انست که تخم شنبله و عدس را بهم بکوبد چنانکه مذکور شد

۳ روز بر دارد روز چهارم مرد باو جمع شود بار کیرد نسخه سلیمان کفت

مطلب این نسخه بیابد رفتم و تخصیص کوهم بنویسد و در میان تخم مرغ نهد و در

زیر اتش دفن کند چنانکه نسوزد با اسم هرکه خواهد مطلوب بیقرار شود دان هاست

جهت اولاد

نبارا

ساسا صسم صسم هیج هیج دوسر دوسر بب وسستی فلان بن فلان

علی حب فلان بنت فلانه وحاصم لالا طکل کل فج فج عج عج واصلما

ریبال م ه ارصسه ای های فلان سه مله علی حب

فلان بنت فلانه دوایم لا ما لا هجبه فخذ عج عج مله لهها

وددملما م ه م ه فائده اگر خواهی کسیرا هلاک کنی بنویس هو برسان

و سنگ بنه در گور شود البته مجرب بهشت

ماموملو	اطمموع

اگر خواهی در میان دو کس جدائی شود بنویس این طلسم را بنام ایشان و

وماد ایشان و در موم کافوری گداخته در منجلاب حمام دفن جدا شود اینست

۱۱   را ۸ ع ۹ ۱ ۲ ۱ ۱ ۵

عقد الرجال بر چهار قسم است اگر
۱ لا ۱ ۵۹ ع اا ه ۵ لا
۱ لا٥ ۱۹ ۸ع اا ب اا ه ۵ لا
۲ ۱ ۳۲ ه اا اا ح اا ی ا لا
۷ ۱۱۱ ه ۲ ص ۹ ۱ ۲ ع ۱ ۲۹ ۱

بر آتش بسته باشند قل یا ایها الکافرون

بنویس بری ده تا بخورد و اگر آب

۴۱

شنبه باشند سوره اخلاص نوشته بشوید و بخورد گشاده شود اگر چهارشنبه باشند سوره الفلق را

بنویسد و بشوید که او بخورد و اگر پنجشنبه باشند سوره ناس را بخواند گشاده شود این

طلسم نوشته در موم گرفته بر سر زبان گذارد نزد هر کس رود حاجتش روا شود و آن این است

۱۵۲۱۱ ام م ۱۱۵ ام ع۴ وح ۲ ۹۱۱ ۲ ۲۲ رصا رس۳ ۲۱۸ اوم ۱۴۹۸ ولی

اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی بیار قدری عنک سوره بوقت نماز شام و هفت بار این را

بران بخوان بنام آنکس و مادرش و بنام خود و مادر خود در آتش افکند مجرب است قال من

یحیی العظام وهی رمیم تا آخر سوره و بعد از آن این شکر با بنمک بنویس

و در آتش افکند و آن این است

١٥	م ١م	ل ٥

لدفع السحر شیخ بهاء الدین به شاه عباس

نوشت که از جمله دعاهای در از جهت ابطال

سحر بر کف دست با خاک کربلا باید نوشت

هر وقت نوشتن ناشتا باشد و بعد از نوشتن بلیسد بنوعی هیچ نماند ۳ روز

سوال

محبت

کشاس

مرد بر ماشد

متوالی چون چنین کند هر سحری که باشند باطل شود بان اذل السحرة باعجاز موسی

علیه السلام لما القی عصاه فاذا هی ثعبان مبین اذل عمن قصدته بسحر

السحرة وکید الفجرة وانک علی کل شیء لوح قل اللهم از تعریف مستغرات

دور مغیث کوکب راز بجا غنی شدن خوبست خصوصا در شرف آفتاب و مشتری در چهار روز

هر روز چهل نوبت آیه مبارکه را بخواند و نظر بلوح کند و بر چهار طرف لوح وعنت الوجوه

و بسم الله الرحمن الرحیم و د ه م بنو ب د م اعمال

میر محمد باقر قدس سره یقرء آیة الملک اربعین یوما

من کل یوم اربعین مرة واثره یظهر فی یوم

السادس والسابع وحین القرائة ینظر الی

اللوح والی میمات الثلث و بوجو ران دایره بکند

و چهل و یک اسم اول ان میم الث و ایه را بنویسد و لوح در پشت صفحه

٤٢

جبرئیل علیه السلام

عزرائیل علیه السلام

میکائیل علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

م م ه

منعم ال م ل ك

م م ه

ال م ل ك

قل اللهم مالك الملك تؤتی الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء

وتخرج المیت من الحی وترزق من تشاء بغیر حساب

دعا العظمی لدفع الاعداء بسم الله الرحمن الرحیم

اللّٰهُمَّ مُنزِلُ البَرَكَاتِ وَهَازِمُ الاَحزَابِ وَسَرِیعُ الحِسَابِ

اللهم

اَللّٰهُمَّ شَتِّتْ شَمْلَ اَعْدائِی فُلانْ وَفُلانْ وَفَرِّقْ جَمْعَهُمْ وَزَلْزِلْ اَقْدامَهُمْ

وَقَلِّبْ تَدْبِیرَهُمْ وَبَدِّلْ اَحْوالَهُمْ وَخَرِّبْ بُنْیانَهُمْ وَقَرِّبْ آجالَهُمْ

وَاقْطَعْ اَرْزاقَهُمْ وَقَصِّرْ اَعْمارَهُمْ وَاشْغَلْهُمْ بِاَبْدانِهِمْ وَبَیِّضْ

اَعْیُنَهُمْ وَسَوِّدْ وُجُوهَهُمْ وَاَعْقِلْ لِسانَهُمْ وَاَهْلِکْهُمْ کَاِهْلاکِ شَدّادٍ

وَاَغْرِقْهُمْ کَاِغْراقِ فِرْعَوْنَ وَخُذْهُمْ اَخْذَ عَزِیزٍ مُقْتَدِرٍ رَبِّ اِنِّی

مغلوب فانتصر عن الصادق علیه السلام بقرء فی کل یوم سبعین مرة لهلاک العدو

والنصر له ۲۴ اَللّٰهُمَّ شَتِّتْ شَمْلَ فلان بن فلان وَجَمِیعِ اَعْدائِی وَقَلِّبْ تَدْبِیرَهُمْ

وَخَرِّبْ بُنْیانَهُمْ وَبَدِّلْ اَحْوالَهُمْ وَقَرِّبْ آجالَهُمْ وَاقْطَعْ اَرْزاقَهُمْ وَ

قَصِّرْ اَعْمارَهُمْ وَکَسِّرْ اَعْناقَهُمْ وَاشْغَلْهُمْ بِاَبْدانِهِمْ وَخُذْهُمْ اَخْذَ عَزِیزٍ

مقتدر یا قهار ۳ یا جبار ۳ سیهزم الجمع ویولون الدبر وضو

بساز دو رکعت نماز بگذار بعد از عذر بگو اللهم ان فلان بن فلان ظلمنی و اعتدی

علیّ ونصب لی وامضنی وامغضو واذانی اللّهمّ کِلهُ الی نفسِهِ وهُدّ رُکنهُ

وَعجّل اجالِحینهِ واسلب نعمتکَ عِندهُ واقطع رِزقهُ وابترعمرهُ

وامحُ اثرهُ وسلّط علیه عدوّهُ وخذهُ فی مامنِهِ کما ظلمنی واعتدا

علیّ ونصب لی وامض وارمض واظل واخلق اللّهمّ انّی استعینه

بک علی فلان فاعِنی فانّک اشدُ بعضاً واشدُّ تنکیلا بدرستی خدا

فلان بن فلان دیوانه شود ... مرتبه خواندن باید که این طلسم است ۱۲۳۴۵۶ ۷ ۸ ۹

۱۲۳۴۵۶۷ ۸ ۹ ۱۲۳۴۴۶ ۷ ۸ ۹

الدختر رات اگر خواهی

و پریان با تو سخن گویند در خواب بنویس بر دست خود بند دو دست در زیر

سر بنهد هر چه مقصود باشد در خواب بگویند مار و س حار و س

سما یا نست ص صلح مهسات سحاهما او دایا دوایحی

الدعظم

نسخه نوشته شود ۲ عدد جهت غایب دیدن نهان پیدا شدن

الاعظم سلم یکس یا مادہ سم الالسا طططط جهت شفا بیمار هفت بار

این دعا را بر بیمار بخواند یا هفت مرتبه بخواند و به شربت دمد و بیمار بخورد البته شفا یابد

از توفیق خدا اسئل الله العظیم رب العرش العظیم ان یشفیک برحمتک

یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد و اله اجمعین دفع سقوط ولد بنویسد

با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم ایها من یخشها الا تحزنی قد جعل ربک سریا

امسک ایها الولد فی بطن فلانه بنت فلانه بحق من یمسک السماء

ان تقع علی الارض الا باذنه ان الله بالناس لرؤف رحیم امسک

ایها الولد بحق من امسک السموات و الارض ان تزولا و لئن

زالتا ان امسکها من احد من بعده انه کان حلیما غفورا امسک

بحق هذه الاسماء ماه ۲۳ ه ۱۲ م ۱۳ ه ۲۱۱۳ م ۳ طهم

ط۲۱۱هه جهت کریه و بدجوئی طفل ان ح ح ۵ سلوه اصحاب

طهر
تربیت
جربت

الكهف والرقيم كانوا من اياتنا عجبا ولبثوا فى كهفهم فضربنا على اذانهم فى الكهف

سنين عددا وجعلنا نومكم سباتا وجعلنا الليل لباسا وجعلنا النهار

معاشا مهيج سمهيج مهيج عمهيج ع ع ع ه

صه صه سا اذ قالت امراة عمران رب انى نذرت

لك ما فى بطنى محررا فتقبل منى انك انت السميع العليم فلما وضعتها

قالت رب انى وضعتها انثى والله اعلم بما وضعت وليس الذكر

كالانثى وانى سميتها مريم وانى اعيذها بك من الشيطان الرجيم

فتقبلها ربها بقبول حسن وانبتها نباتا حسنا وكفلها ذكريا

كلما دخل عليها ذكريا المحراب وجد عندها رزقا قال يا مريم انى

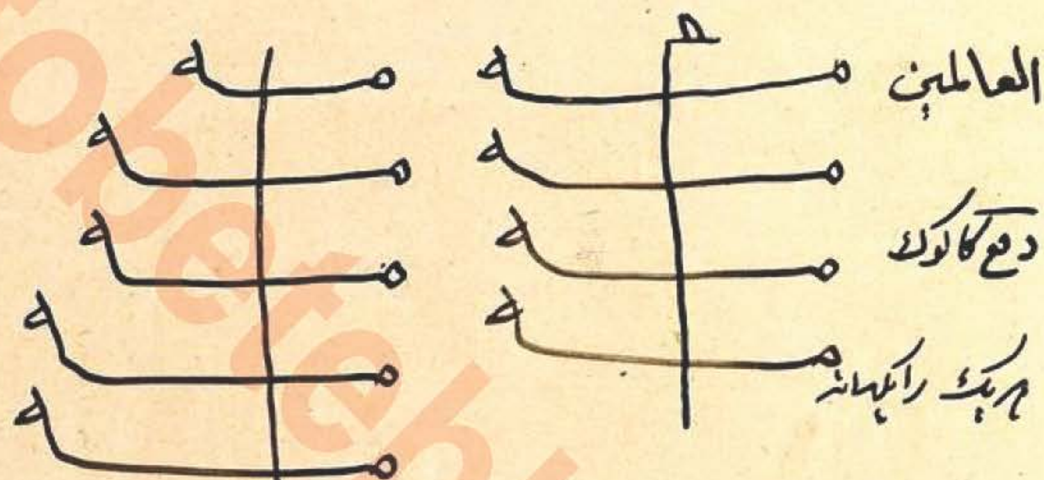
لك هذا قالت هو من عند الله ان الله يرزق من يشاء بغير حساب

لسيتى دهن كه كه بركو سفندان هيچ ناكل الذئب ومااتت بموضن

لنا و لو کنا لصادقین اللهم انی عقدت فم الذئب عن غنم حامل هذه

هذا با لاسم الذی استقام به عبد ک ورسولک لا اله الا انت یا رب

العالمین



جو بر داند و بیان کنواند اوّ دیشو نش ما اللا مسوس

بسم اللّه الرحمن الرحیم ملک القدوس و جو را در زیر لخی کنند جنس سورسکا لو کهابیند

شیخ جلیل القدر ابو القاسم علی بن طاوس علوی رحمة الله در کتاب امان الاخطار

نقل کرده است بجهت حفظ از جمیع بلیات این دعا را بنویسد و در کفن کنند

بسم الله بسم الله الحی بسم الله رب العالمین بسم الله عالم السر و اخفی

بسم الله الاعلی والاسماء الاولیة العلیه اللهم احفظ من علیه الحجب

۴۰

والانس اجمعین وباسماء الله الکبری فی سرادق علم الله وفی حجب ملکوت
الله الذی یحیی به الاموات وبها رفعت السموات وبلاحول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم جهة رفع ازار اسب اینها را بر تخم مرغ نوشته بر
پیشانی اسب زند فجحب انقلقت انفجعت کذالک عین العین وذروقت
زدن تخم مرغ بگوید بسم الله الرحمن الرحیم علی اسم الله واسم العین ذرت اسمه
ازار میشود وهمراه آن ن وسایر حیوان را نیز ازار باشد بدستور معمول دارد همین حکم
دارد لذا انس بن مالک منقول است که حضرت سید الکونین ورسول الثقلین محمد صلی الله علیه وآله
فرمود هر بنده مؤمن که این پنج اسم اداوست باید چنانچه هر یوم بعد از نماز صبح ده مرتبه بخواند
هر روز بیان خوانده باشد هیچ کس سخن نگوید حاجت در آن روز پیش آید روا شود واگر خواهد
که بدیدن بزرگی رود وتوقع عزتی داشته باشد این پنج اسم را پنج مرتبه بخواند وبر کف هر دو دست
خود دمد وبر روی خود مالد چنانچه بیرا او رود از برکت این اسماء محبت او در دل

جهت اسب
تخم مرغ
جهت [illegible]

ویپدید

در پدید آید و جمیع خلایق تعجب نمایند و هرگاه شخصی مریض بوده باشد که اطبا از معالجه
آن عاجز باشند چون این اسما را در کاسهٔ چینی سفید بنویسد به زعفران و گلاب و بشوید
و به آن مریض دهد تا بخورد چنین صباح شود صحت یابد و هرگاه شخصی را بسته باشند این اسما
به پنج دانه انجیر نوشته بخورد اگر بسته صد ساله باشد گشاده شود و هرگاه کسی را در مقام
با شغلی یا مهمی یا بستگی بهم رسد به هیچ چیز برطرف نشود چنین این پنج اسما بنویسد و در موم
گرفته در میان آب اندازد و آن آب را در خانه خود بپاشد آن بستگی بفتوحات مبدل شود
و دوست این پنج اسم را بر سوزن و بنوک زبان شود و بر دشمنان مظفر و منصور گردد
و به بند و زندان گرفتار نگردد و هرگاه با خود دارد از شمشیر و آلات حرب محفوظ باشد
اَلْعَظَمَةُ لِلّٰهِ اَلْعِزَّةُ لِلّٰهِ اَلْقُدْرَةُ لِلّٰهِ اَلْقُوَّةُ لِلّٰهِ اَلْمِنَّةُ لِلّٰهِ بِرَحْمَتِكَ
یا ارحم الراحمین مرویست که این دعا را نوشته به شمع بپیچد و در میان کله بنهد که
در پیش رو باشد که بگذارد حیثیت آن بی نهایت است بسم الله الرحمن الرحیم

جهت شفا از دردها

جهت شفای بیمار

یا شمخیثا یا لعظمة الله یا سلطان الله یا هیثا یا مصیصا یا لیا ماثا

یا بطیثا طوری و نه ساختنی بهای الله جهت کسی در رزا و خوف و هراس باشی اللت اتبده

اسم آن شخص را ملاحظه نمایند هرگاه غفور باشد یا غفار و علی باشد یا علام و نعیم باشد

یا ناصر و همچنین عدد هر کلمه یکی از اسمای اسم را منظور نمایند عدد اسم آن شخص بحساب اید

حساب نمائی از اسماء اسم را دو عدد ساخته هر روز مداومت کرد اذان آن نماید تا ببرکت

اسماء مقدسه در امان خدا باشد و این اسماء عظیمه و دو عدد ساخته و در جیب و پناه

مرتبه بخواند یا ناصر یا الله یا دائم یا رحیم چون چیزی از کسی خواهد و الله نهد بنویس

ابتدا و در خانه مطلوب دفن کنند راضی شود و اگر در باب الله الفه طعام کنند و بخورد اهل خانه

از سنخ تو در نکند ۱۳۲۲ ۱۱ ۱۱۱ ۱۱۸۱ ۷۹ ۴۶ ۶ ک ط ۵ هر کس بنویسد و در مقام

دفن نهد هر کس از مقام خود بیرون آید سبب کوچ کند ۹۴۲۲۲۷ ۴ ۱ ۸

۷۸۶۵۴۳۱۱۲۴۲۳۳۳۴۶۵۱۳۹۱۹ ۱۱۱ ۲ ۱۱ جهت حرف رهائی

دازی
شر تخفی
درام

هر روز بعد از اسم محمد ص نود و دو مرتبه بخواند یا کافی الفرد الضعیف و یا واقی الامر المخوف تا ان شاء الله
در امان باشد در حین نظر رفتن به سلاطین بخواند مجرب است یا من لا یضام و لا یرام و به تواصلت
الارحام صل علی محمد و آل محمد و اکفنی شره بحولک و قوتک از ربیع ابن مغیره بصری نقلست که
گفت عرض کردم بخدمت ابی عبد الله جعفر ابن محمد الصادق ع که محو رنجم صاحب علل و امراض بسیار
و نماند دوائی که مداوا نکرده باشم پس فرمود کجائی یعنی چرا غافلی از برداشتن تربت مقدس ابی عبد الله الحسین
علیه السلام بدرستیکه در اوست شفاء هر مرض و امانست از هر خوف پس هرگاه برداشتی آن خاک مقدس را
بگو اللهم انی اسئلک بحق هذه الطینة و بحق الملک الذی اخذها و بحق النبی الذی
قبضها و بحق الوصی الذی حل فیها صل علی محمد و اهل بیته و افعل بی کذا
و کذا راوی گوید پس گفتم در دستم فدای تو شوم بدرستی شفا یافتم از هر درد اما چونست
امن شدن از هر خوف پس فرمود هرگاه ترسیدی تو از سلطان یا غیر سلطان بیرون مرو از منزل خود
مگر آنکه بوده باشد با تو خاک قبر امام حسین علیه السلام پس بگوید اللهم انی اخذت هذه من تربة ولیک

دعای
تربت
حضرت
سید الشهدا ع

وابن ولیك فاجعله لی امنا وحرزا لما اخاف وما لا اخاف فانه قدیر

ما لا اخاف راوی گفت پس برگرفتم چنانکه امر کرد مولد من برای تکفین پوست آهو فرصع ارزن

برای من لان رنجوف دنرسد و تنگ نشد للمولد حمیه مرجع است جهت حامله شدن زن بنویسد

این طلسم را و زن بر بازوی راست بند و دوشنبه بان دخول کند حامله شود ان شاءالله

١١١ك ٨١٨ ١١ك ١٣ ١١١١ ادود ١١ هه هه ه کالوع کالوع کلولسای

بو حنك یا ارحم الراحمین اگر گوهر نامه و یا کسی را به بندی نتواند رفت این شکل

رابنه واسم آنکس را در خانه و یا بنویسی نتواند رفت و در راه آنکس یا جا بپاش

دفن کند اگر کسی باشد و خواهند که بنا شد این آیه را بخواند

١ ٦ ٥ ٤ ٣ ٢ ٧

ابنه بر وی الکفار کم خیر من اولئکم ام لکم براءة

فی الزبر دفع مار و عقرب و هرچه گزنده باشد سه مرتبه بخواند و دفع هر دشمن باشد

چهار مرتبه بر خاک خواند و بر جهت دشمن بریزد مجرب است اعمر تجاه لطرفال

صحیح نوع

ایضاً

القيها يا موسى فالقيها فاذا هي حية تسعى قال خذها ولا تخف سنعيدها

سيرتها الاولى هر كه اين طلسم با خود دارد زبان حضمان و بدگويان برا و بسته شود

١٨ اط ١١١١ ع ا ع ا لا لا طح اط ١١ ١١ ١١ ودم هط ١١ ع ١ اط هه ١١١ ع ١١ ٩ ١ ٩ ١١ ك ١٨

اگر خواهد که میان مردمان عزیز و مکرم باشد این شکل را بنویسد و با خود دارد همه مطیع او شوند و گفته اند

که امام زین العابدین و امام جعفر صادق ع با خود داشته اند ١١١٨ ع ١١ ٩ ٩ ١١ ١١ سها ١ ٢

٧ ١١١ ع ١١ ٩ ٩ ١١١١ ك ١ ٩ ٨ ه سـ ٦ ١ ٩ ٩ ٦ ٩ ١ ١١ ١١ ع ١ ٣

٨ ١١١ ع ١١١ ٦ ١١ ٩ ١١١ ١١١ ـه ١١١ ا ع ١١ و ٥ ١١ ك ١١ ١١ ك از حسن ابن خالد

منقول است که او گفت که در بغداد سیصد هزار درهم قرض بود و قرض خواهان تنگ

نمودند پیش عریضه بخدمت حضرت امام رضا ع نوشتم آنحضرت جواب نوشته که بعد از هر نماز

بگو اللهم انی اسئلك بلا اله الا انت بحق لا اله الا انت ان ترحمنی

بلا اله الا انت اللهم انی اسئلك بلا اله الا انت بحق لا اله الا انت

ان ترضی عنی بلا اله الا انت ان تغفر لی بلا اله الا انت و فرموده

سه نوبت اعمال کن چنین که هم دانسته شود از چهار راه و نیم ادا شد در وقتیکه هر که

را مهمی پیش آید و خواهد راه چاره آن بداند سزاوار است که در وقت شب در کاه

خوابیده هر یک از این دو سوره را ۷ مرتبه سوره والشمس والضحی و سوره واللیل اذا یغشی

بخواند شخصی را در خواب ببیند راه چاره او را تعلیم او نماید این کلمات را نموده شش لا آیت بر شیرینی

یا هر چیزی که خواهد بخواند و بخورد و شود در مطیع او شود بسم الله یا الله یا عجوند یا

موجوج نوع دیگر هفت مرتبه بخواند و باد بر آتش دمد اهینی دهینی بد بر امنوس

سه بار دیگر آیه زینی للناس را هشتاد مرتبه بر آب گرم بخواند دو دفعه افود تمام شد آب دهان

خود را ابران ببیند و بخورد هر کس که خواهد بدهد و اگر آب سرد باشد قدری نبات باید بیندازد خلد

کند حیه یکی بول این شکل را بنویسد و بر پشت زهر بندد حلد صد شود حاحاحا

دس ۸ ۹ اگر خواهد کسی را مطیع خود سازد این شکل را بر این طریق بکار برد و نام

مجید

محبوب وانچه خواهد نام خود در مهر انگشتر بنویسد با خود نگاه دارد مجرب است

يحبونهم كحب الله والذين امنوا	اشد حبا لله زين للناس	حب الشهوات من النساء	والبنين والقناطير المقنطرة	من الذهب والفضة والخيل	المسومة والانعام والحرث	ذلك متاع الحيوة الدنيا	والله عنده حسن المآب
اشد حبا لله زين للناس	حب الشهوات من النساء	والبنين والقناطير المقنطرة	والله عنده حسن المآب	يحبونهم كحب الله والذين امنوا	من الذهب والفضة والخيل	المسومة والانعام والحرث	ذلك متاع الحيوة الدنيا
حب الشهوات من النساء	والبنين والقناطير المقنطرة	والله عنده حسن المآب	ذلك متاع الحيوة الدنيا	اشد حبا زين للناس	يحبونهم كحب الله والذين امنوا	من الذهب والفضة والخيل	المسومة والانعام والحرث
من الذهب والفضة والخيل	يحبونهم كحب الله والذين امنوا	اشد حبا لله زين للناس	المسومة والانعام والحرث	حب الشهوات من النساء	ذلك متاع الحيوة الدنيا	والله عنده حسن المآب	والبنين والقناطير المقنطرة
المسومة والانعام والحرث	من الذهب والفضة والخيل	يحبونهم كحب الله والذين امنوا	اشد حبا لله زين للناس	ذلك متاع الحيوة الدنيا	والله عنده حسن المآب	والبنين والقناطير المقنطرة	حب الشهوات من النساء
ذلك متاع الحيوة الدنيا	المسومة والانعام والحرث	من الذهب والفضة والخيل	يحبونهم كحب الله والذين امنوا	والله عنده حسن المآب	والبنين والقناطير المقنطرة	حب الشهوات من النساء	اشد حبا لله زين للناس
والله عنده حسن المآب	ذلك متاع الحيوة الدنيا	المسومة والانعام والحرث	من الذهب والفضة والخيل	والبنين والقناطير المقنطرة	حب الشهوات من النساء	اشد حبا لله زين للناس	يحبونهم كحب الله والذين امنوا
والبنين والقناطير المقنطرة	والله عنده حسن المآب	ذلك متاع الحيوة الدنيا	حب الشهوات من النساء	المسومة والانعام والحرث	اشد حبا لله زين للناس	يحبونهم كحب الله والذين امنوا	من الذهب والفضة والخيل

تبخ حمل

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة
محمد واله اجمعين



انچه موافق ابن ریشه است زرقول حضرت سلیمان الرحمة



میکنند که صاحب پنج صحبت در شب بماشبه در آماد

ابه یار در خدای یار در صحبت یار در تی تیل امید بسیار داشت

مده چیره وقت میباشد ناخوش احوال است تمامی روز

چاق و یک روز ناچاق میباشد و شب در خواب

چپه پهلو بپلو میگردد و ماه شب کرده

نیلند زن های هراسان پیدا میشوند

این در اندام او زار شود پشت و کمر او

درد اسند و اگر علاج نکنند قرآن دارد باید

فراغت نزدیک کنند انشاالله

خوب شود

والا ادابی ست ۳ سر دعا ملد

وتنحم مرحی زیداعز او التش

ودعای بهراه او باشر وقران

سبدیی کبیه انت الله نحی بسی حاسد

شر

کانت سبه وحدی رمال یا شر

والله اعلم

۳۰	۳۳	۳۳	۳۷
۳۱	۲۶	۲۱	۳۲
۲۵	۲۸	۲۵	۲۲
۲۴	۲۳	۲۴	۲۹



بشنجی ثور

٥٣



انچه وافق ایدی دهد بیت رزقی ال حضرت سلیمانا
دولتنه ایلنلره صاحب اینی طالع رادرشب یکیته



در حالی یا در سبحی یا کنار ابه روانِ ازراپی وهیپی

امن بید از شب بی سوان تیب باشد چه دو زیبا

ناخوش احوال است و نه شبان افتاده ان انست

تکرار ل تب بت بیلند جون شب بی شود دهیل

التی افروخته یی شود در غالب نال پیهو می گوید

در زغالب شیران پیدا می شود ارس در انزام وی

زا می شود دهان و یک تلخ خشک می شود

مفر ابراه غالب بیهوش شود تب دو ز ساز و یک یا دوز

دوز

ناساز می‌شود وچهارم نمی بلاد و فرست و تا چهل روز قرآن

دارد باید قرآن بخواند آیت والکرسی رحمت سبع اول

بر سر وادچه ادابش است کرمعب

رمستان تا چهل روز بیست هزار و ۳

دعای دارد اول ابر مشفاء باتر است عثمان

طلسم مهر ام زید مهر اثنی کنید نجم مریخ

جرت اد بلند دعاء سه امی او باشد وقت ان بنده

آمنه ان شاء الله رفع شود مدام در رحمت افتد والله اعلم

کاتب

برجی جوزاء



انجه هو افقی اینی رسمده [illegible] زرقولی حضرت سلیماندکدر

بیلنزکر صاحب طالعی طالعی درتنجی چهارشنبه در باقی یادر



٥٧

کنار آبه روان زانی دیب امی برائی ت وار هیت رسیمی

و نشان از هیت ان انئی ت لدی چند وقت یی باشر ناخشی

احوالسـ وقت می وقت لتر آنی کاه بازو کاه

ناما زیی باش و روز بی دل هیی شو دنا خشی

وشب ائی درخاب نال یی زخاب حراش هدار شو

دلش ایی تاله چیه ئی هیاییی روی دهان وی تلخ پی شو

یک هست نازی ویک هست نا ناز یی باش حفر اج غالب

شرارت هیت کمر انکر زانو ئی عواو مست شو

اگر درد اندام ... زیاد شود ... دو تا سه ماه دیگر

فلان دارد ... باید فصد نمایند ... که نبض ... و اکثر الم

نشود ... شش ماه دیگر ... اول بهار که شد و بعد [illegible]

حقنه دارد ... و الا چیزی ... این مسهل که اول دوا بخورند

[illegible]	[illegible]	[illegible]	عسل	گل قند
۲	۲	۲	۴	۵

معجون ... بگیرد ... سه روز ... تخم ... و بعد سه [illegible]

دارد تخم ... زرشک ... دعای اسهال ... [illegible]

انشاالله ... خاطر ... که تنها ... [illegible] با [illegible]

سرطان

برج سرطان

برج ۴



انچه مروی از ابن مسعود است رضی الله حضرت سلیمان علیه السلام

میگوید که صاحب این طالع را در شب شنبه در کنار آب روان

از این دو عیب برحذر باشد است که یکبار رحمت زر و سیم



۴۶

ز هم بدانی تن است و نشان از هست این و به یک این همه

که ما چه بینی حالی در قلب ریشان زشت و زشت این و به یک ابهت

همه چند و عدد [illegible] احوال ندارد یک روز با زو یک روز

تا با زی باشد یک عشق بی و یک عیب بدی بی باشد

در روز بروز زرد ضعیف شده جوانا شب شده

احوالش [illegible] [illegible] زند در خانه نال و هوش

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] هراننا پیدا شد

دارند درانتام او از احوال مشق دهان و بید

طالع خمس کر[illegible] شود و لکن [illegible] بکشند

هستی و لکن [illegible] دو داند [illegible] ماله تا

[illegible] روز [illegible] و [illegible] دارد

[illegible] الحال [illegible] در [illegible] افتد [illegible] باید الحال

[illegible] الحال او [illegible] کرد [illegible] روز [illegible]

[illegible] و [illegible] از [illegible] آتش [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] باشد

و قران [illegible] که والد در رحمت افتد والله اعلم تمت کتاب

[illegible] رمال باشی

برج ۵

برج اسد





بسم الله الرحمن الرحیم

انچہ ہے واقف ابی رمل ہست   زرقی ل حضرت سلیمانا

دلالت بلند کرہ جب ابی حالی ہنجے اسرہ باشد

وا نماز آتش ہے باشد دلیل بیک کر شب چہار شنبہ

ورقہ بستہ سن بادرانار ابر و ان است داشت و

نشان است ان انسن کی چند وقت

می باشد ناخشی احوال ہے باشد جن ن ث میم شوق

احوال اشی بدتر خاک سدشر و در خاک باطل و بہشتی نیکوئی

و از نماز سحر آن بیدار نمی شود و شب را مستی شد

افسرده می شود و روزها را اذیت می شود

ولیکن یک شب روز تا ز دیگر روز تا از شب باشد قا

۴۰ ۲۰۵

چهل روز یا پنج روز دیگر قرآنی دارد

باید قرآن سوره آلم و الحی زرحمت افتد

والشمس او انبیت ۳ شر دعای دارد و تمم

در الشمس باید از دعای آیه ۲ خود داشته باشد والله اعلم

کاتب سید رحمان

برج سنبله

بج و



انچه سوال قوی این رمل است ز قول حضرت سلیمان یادداشت کند



بسم الله الرحمن الرحیم

که صاحب این طالع را در روز چهارشنبه در سهام یار رسانند

ابر زرانی و عیب امید بر داشتن مده چند وقت صبر باید

که ناخوشی احوالت نه چاق می باشد نه ناچاق می باشد

یکی روز ناخوش می باشد یک روز ناخوش می باشد چون

تعبیر شود احوالش بهم می خورد سر السوی افروخت

می شود و از خواب پریشان ناپیدا می شود

از درد اندام و میل زیاد هر شب دو هاون تلخ مشک

حفظ زنان آبستن است   تا ختنه و به تولد کشد امام

حب بخار است شر   داخل تا ۵۲ روز   دیگ قرار ندارد

باید قرآن بنویسد کنید   واز الاخ نبینه

در زحمت افتید   باید   قرآن بنویسد کنید

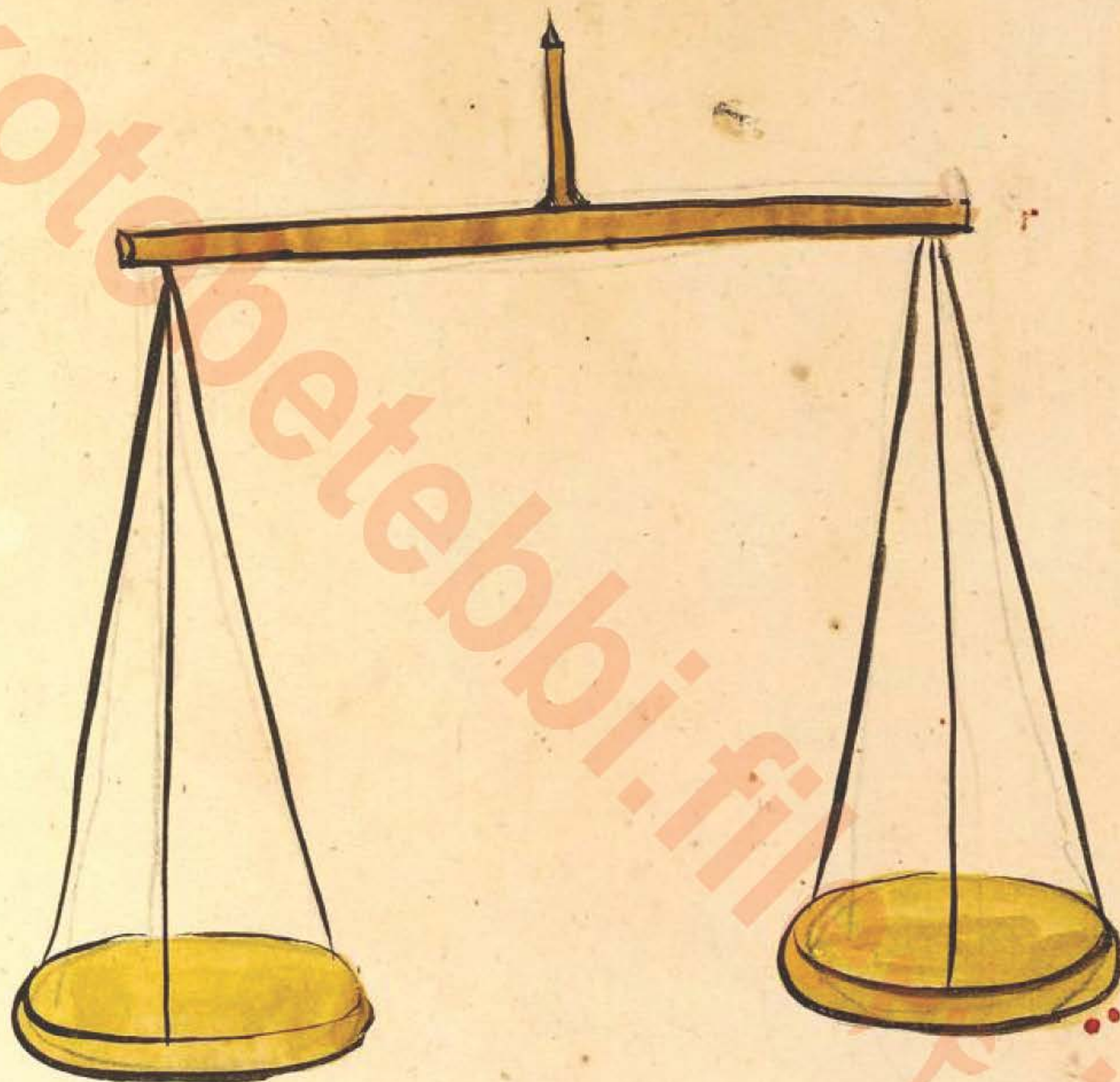
ورشر دعا   دارد   و تخم مرغ

زیر دامن   آتش کنید   تا ان شاء الله دفع شود

والله اعلم   کاتب [illegible]

۱۳۳۲

برج ۷ برج میزان



ایچه تقی قوانی رمل ست زرقی ال حضرت سلیمان علیه السلام

بلیه ست کر صاحب این طالع را شنبه سه شنبه چهار ... نماز کار فرمته



دنیای دیدنی است برداشت مدتی چند وقتی می‌باشد کزا

خوشی‌ها می‌باشد گاهی پیدا و گاهی ناپیدا می‌باشد گاه به

می‌آید یک روز یار یک روز ناسازگار می‌باشد مهر و دنیا بد

و چشم بد برخی رسیده است بعضی وقت‌های دلشدا

می‌مانند دانی‌ها جست شده و چشم‌های سیاه

می‌روند مراد در دل اند ناخوشی احوال می‌باشد

گاه به ستم می‌کند گاه به شب بسته می‌آید یک جای خوب

و یک جای بد می‌باشد و خوش ... دارد با هر گونه

والدین او اینستگر باید اول قرآن بنه

آنکه وبعد سه روز دعای دارد باید رفتار آنند

والدین الهی تلفنه تا چهل روز قرآن خوارد

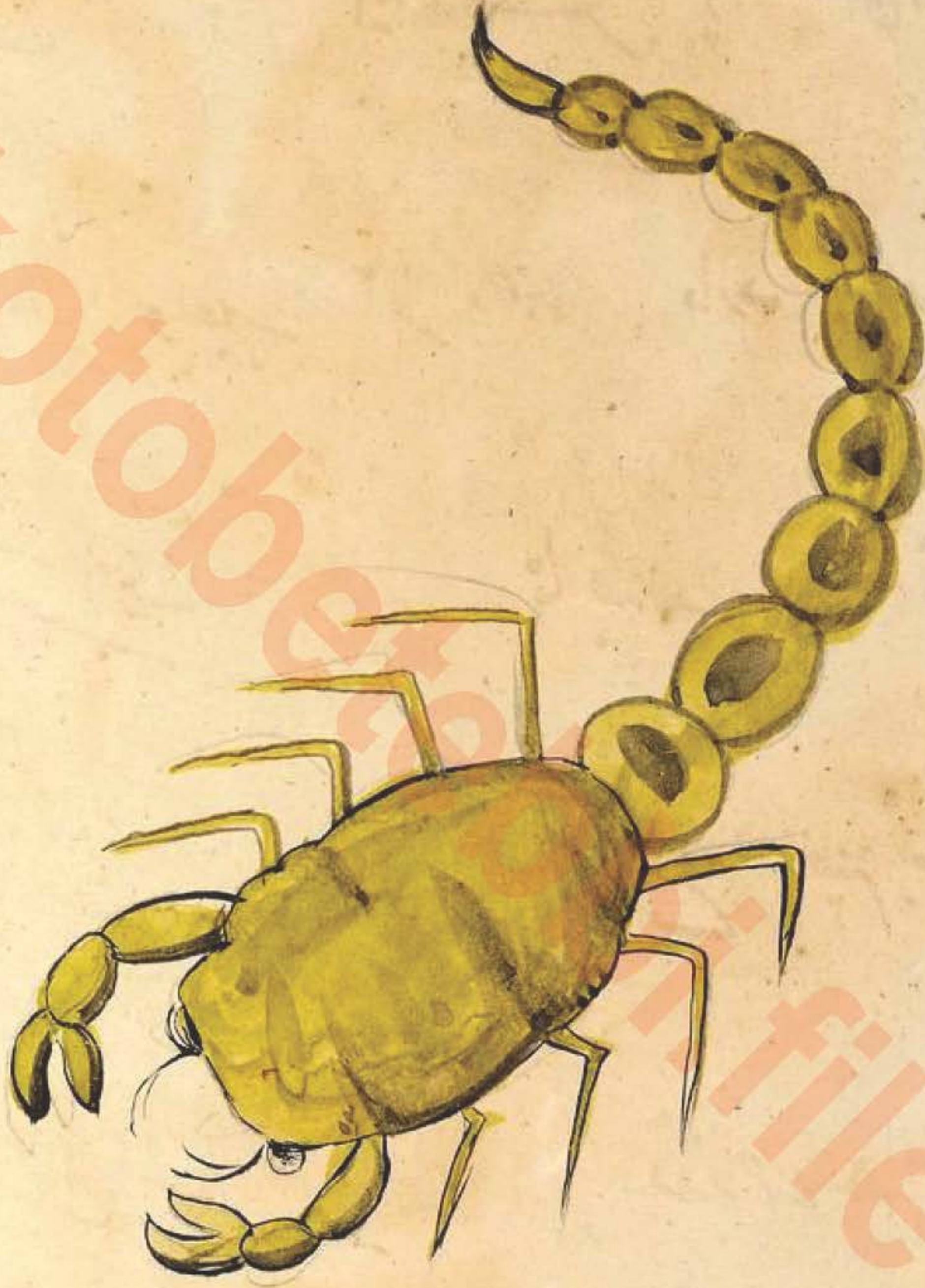
باید قرآن بنه تیر وسعی چهره‌هم از او بشوح

والدین الهی تشوح دوز جمعت امتی ورح

والله اعلم کاتب حروف

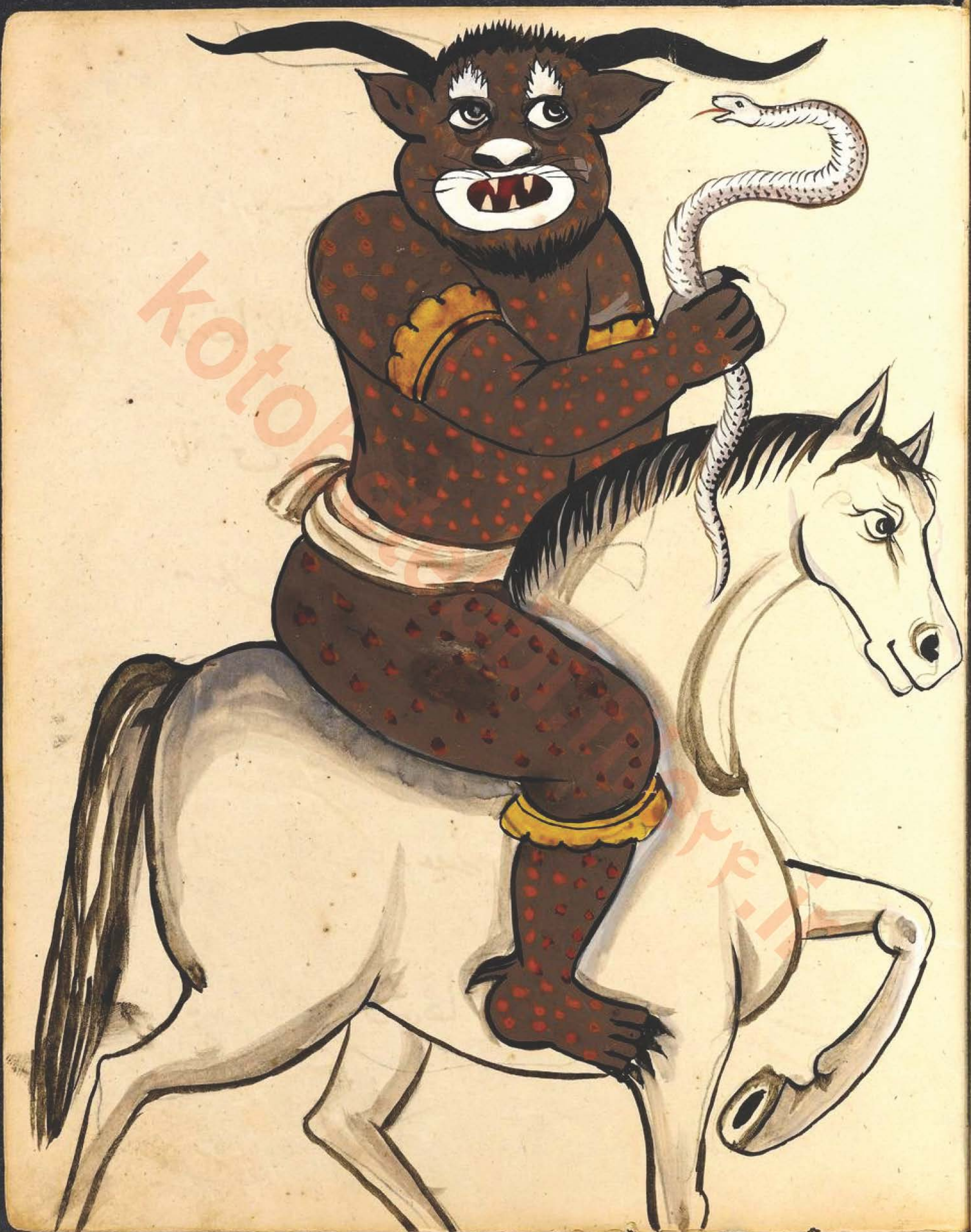
سنه وسد ربیع الثانی ١٣٣٠

برج عقرب



برج عقرب ہے انہیں بدوافق اپنی دہل ست ہے زر فول حفرہ سامانا

دالت تیل نہ کہ صاحب اپنی مالوے اور شہر مبارک ستبہ یار بکتہ



ز زانوی دیو به امید بیداری سست و افسوس بی‌کسی رسیده است

دشمنان افسانه‌ان انسانی‌اند که چند وقت سبب باشد

ناخوشی احوال است او سنی تمسخر تیلبه دوم شد را

مثل آتشی افسرده خستگی شود و در خواب ناله و بیهوشی می‌کنی

و در خواب جرات بیداری می‌شود گاه باز و گاه نا

نازی باشد و بعد زیر زور وقت‌ها دل شیدا

بی مانند زانوها سست می‌شود ست لیکن سیر رود

گاه چاقند   گاه ناچاق میشوند   گاه توقف دارند

اماله   تا ۳ ماه   بیک تحول   [illegible] باشد و عوارض فقدان

هم ندارد   باید الحال   تنقیه   و ابتدا الکل نکنند

در رضاعت افتند   اول   باید قران نیز

تنقیه   و دوم   ۳ شربات   دارد   باید الها

شود   و سهم مرخی   ۲ دانه   موز [illegible]

او [illegible] تا زمانی شود [illegible]   کاتب [illegible]

[illegible]

برجه

برج قوسی



برج قوسی   اشبهرلی اقوق ایی رهدر بت دلالت

میلند کرمب   ایی ماله‌را شبه یکشنبه ماه آذر زمستان است



و ازانی دیده باعمی بر داشت است و چند وقت می باشد

می باشد ناخنش احوال می باشد و یکی روز نان زیر باشد

و یکی روز نانا نمی باشد گاه تب بست میکند

و گاه تب بکی ای لند یک روز تاز و تب

روز نانا نمی باشد و دهان وی تلخ مشلکیر شود

گاه میت و چپ وی درد کند و گاه پشت و کمر وی را

بکند و روز بروز وی زرد ضعیف شود است و اقربیت دا

گر این نوع عجب باشی باید الله که سینه والا در جنت

اعتدو تا چهل و یک روز ولیک قران ملا رد باید قرائت بهر

کرده تا انت الله دمعی شود انت الله

واحد قرآن دارد اول تیمم فرض چهرشنان سوره نور

دوم دعای قرآنیه سوم دعای ...

تا انت الله نور دمعی توقع

۲۵	۳۰	۳۳	۲۰
۳۲	۲۱	۲۶	۳۱
۲۲	۳۵	۲۸	۲۵
۲۹	۲۴	۲۳	۲۴

کاتب سید ... رمضان

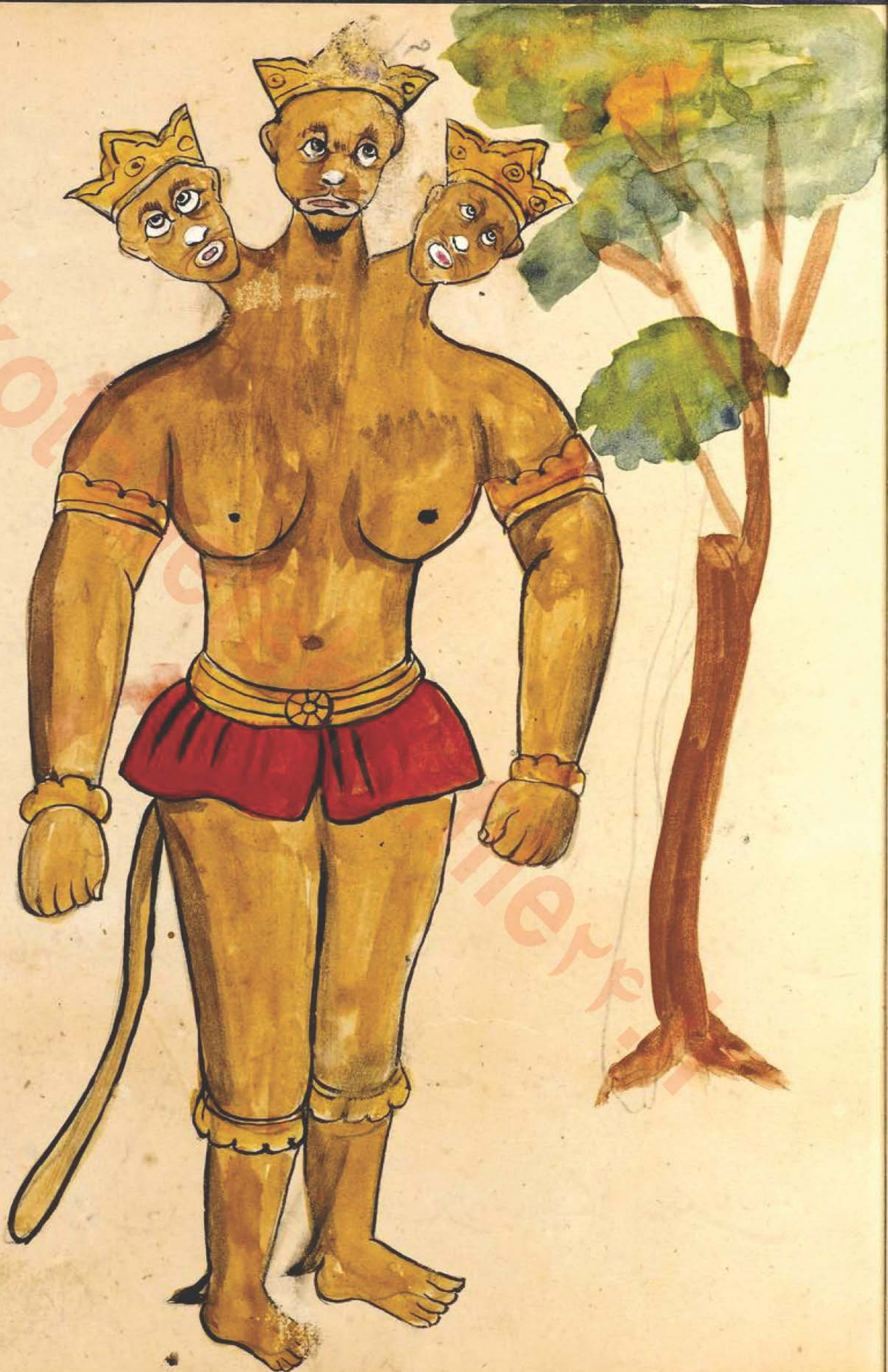
تا شهی

۱ ۳ ۲

بزنجی بتکے



بزجی بتکے   انعزدی اتی ابی دعمر بہت زرقوں لحفرہ بر لیا



در حالت میل کند صاحب این طالع شنبه سه شنبه چهارشنبه در رقب دستانی

در زبانی عیب از دست و اسب برداشت و حال چیز رفت

می باشد گر نا خوشی احوال می باشد یک روز باز و یک

نا ناز می باشد چون نشیب روی احوال لشکری بر هم میری

خسته رو گاه و ته بسیر کند گاه چاپک و گاه ناچاپک می باشد

امام شبهای در عذاب نال و بیچاره ی دست کی پد روز بر وی

زرد و ضعیف سیر شود و یک روز خوب و یک دو روز

بد می باشد چون از زینت از ریب دارد حسن دارد تا

الاغ کت باید والک الاغ نشود پهنا ره وه

تا ۳ ماه توی لایه کشد و قرآن دارد باید

قرآن نبد چه کند والا در دست افتی یک دعای

اسرار راه باید بلند قد دماغ دلیلت با ترتیب سه ۳ روز

نحو زند وانی سنحو زنی دانحو زند کل قند عسل زنجفید با لحو ز

و تمم صرح در اشتر جربت افر بخلقی تا ان شاء الله

طعم ابر

بروی رفع شود

طعم اشتر

۲۴	۳۰	۳۳	۳۰
۳۲	۲۱	۲۶	۳۱
۲۲	۳۵	۲۸	۲۵
۲۹	۳۴	۳۳	۳۴



برج دلو



انچه موافق این برج است در قول حضرت سلمان اید

یکشنبه چهارشنبه و شنبه ادعای این حاجت که کسی کند

طلب حاجت این دعا در شب یا در کنار آب روان یا در حمام بکند



مبر ریشت است و نشان اسهر وز جهت این دو بیت اینست

که صاحب این طالع چهره قیت می شکر نافش کاهل

است وقت سبب کند کاه چاق و کاه ناچاق می باشد

و روز می رود زرد ضعیف می شود و کاه کاه قلب اول

می گیرند و رنگ او کمی زرد می شود چون شب

می شود احوال اسی می ۳ می خورد و روز خواب نالی

و پهلو درد می کند و از خواب می ترسد ۵ پهلو از شود

یک روز ناز و یک روز نان نمی باشد و گاهی ضعف

دارد و دهان وی تلخ گردد صفراء [illegible]

قالب شود و جمیع اعضای وی درد کند و تا خشکی

و بی قول کشتنا شده است یا چهار پنج روز

دلیلت ختی و قران دارد و با ابدال جن آمیزه و اگر

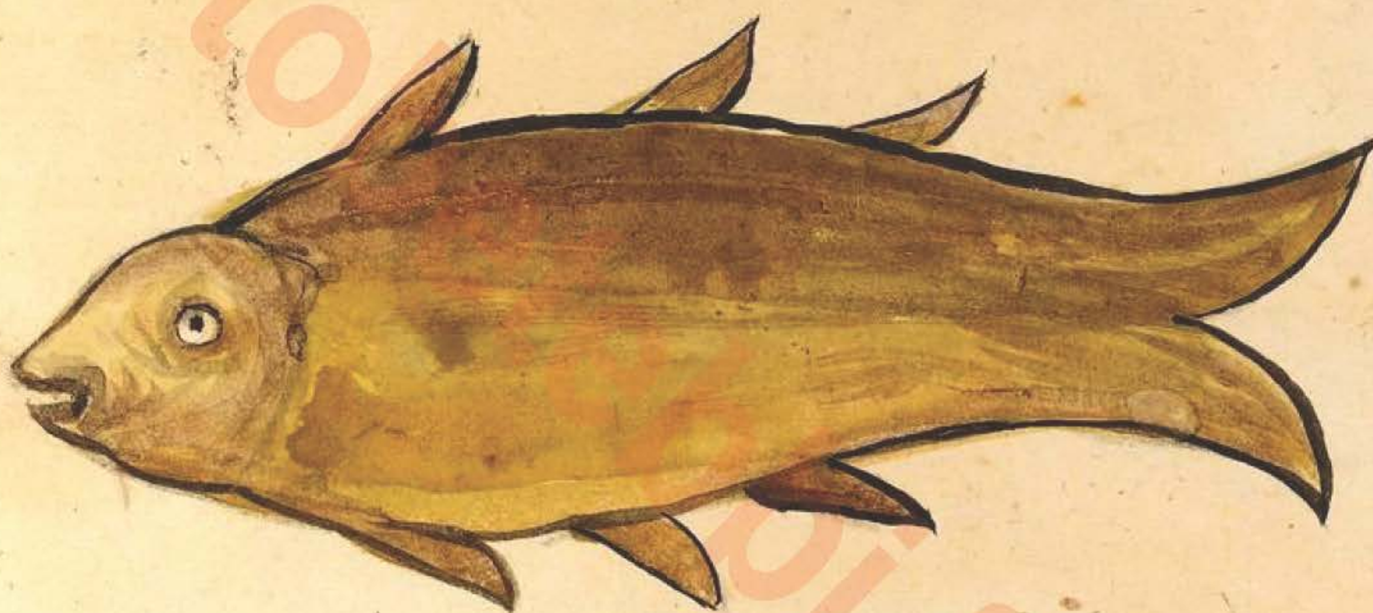
ال جن شود در جهت افتد وال جان اینجاست

تداول باید قرآن نیز کنیه و دوم ۳ روز دعاء

دارد باید عمل کنید و طلسم قرآن نیز در اقسام

دم کنید تا ان الله دفع شود والله اعلم تم [illegible]

برج حوت



طالع برج حوت آنچه موافق این رمل است از قول جعفر

علیهما نازل الحالت شیرین است که صاحب این طالع است بخشنده یاب

جعفر رازی دیده است از بیت و از بیت است که صفت حوت



می باشد ناخوشی احوال بد باشد اولین گاه شب

هست دیرتر و گاه تب لرزم و یک شب باز و یک شب

ناآرامی باشد و درد بیرون درد صعب می شود

و بعضی زرد وقت‌ها داغی های مالند و زانوها

سستی می شود و چشم ها را سیاهی می رود و دست

درد می کند و در خواب چیزهای خیره می بیند

که در خواب حیران بیدار می شود و چشم زخم هم

برادر فرموده است و مقرر داشتم برادر عالی جناب محترم

استاد تمامیت ماه دلیل محبت دارد و قرآن

باید قرآن بخواند که به کراهت و لغو دارد و البته

نشود در زحمت افتد و البته او اینست که اول

قرائت و بعد سه دعاء دارد فردی و اتش

و سراج بودن تا انشاالله بزودی رفع شود

والله اعلم کاتب رمال باشی والله

سنه ۱ ۲۰ ۳۰ ۱

ابرتمی منارقس



آنچه موافق [illegible] از قول حضرت سلطان [illegible]

میل نماید که صاحب [illegible] طالع است به [illegible] در منبج یا در [illegible]

[illegible] است و [illegible] و [illegible]

[illegible] و کاة [illegible]

[illegible] اصول [illegible] و در [illegible]

و [illegible] زرد [illegible] دلشو

[illegible] قلب [illegible] دارد و باد [illegible] دارد [illegible]

[illegible] بلند [illegible] عشق [illegible] و [illegible]

دکانی قلب ز ضعف دارد ذاتی ۴ مستقیم شود

یک روز تا یک روز تا دیر باشد و تا چهل

روز مصاحب بی طالع قرآن دارد باید قرآن

سبک کنید واثق الهی تکیه

ختم دارید اول دعا دوم تسمیم سرخ

سوم قرآن نبی ان شاء الله زود بجا

باید کاتب ببیند

زنی ازان حبل القت
منطقه منتفخ
ورقیه محتوی
و رحمی بی اولی
ملیا سیلینی
یارسی ضد اوصیا

ستاره عطارد



انجره‌ای فوق این رمل ست دلالت به پلنگ کر

کرده حب ساخته بخورند طالع دلو شنبه یکشنبه یا روز دوشنبه

و نفع داده بدن از این اسباب منهی الی سعادت قسم همه

و مادر بیمار و ضعیف برآید و دلش الیه مائل بود

زانو هاء مست بسوزد مهم که حباب می‌رود بیک

ساعت مزبور و یک ساعت بعد باشد زانو هاء مستمند شود

از بهرام و کیوان و زهره بیشتر شد درخواب بنال و بهوش نیکو

و پنجم جیوق بی زینی و آن ساعت یک زنگ بسیر شود و اهرام

چهار این کشی با بیدالله کیر و اکر اطلاع نشود درزمانت افتد

باید قرآنیه نبر نار مع نموده

د ش ۱۱۱

مثال برج سنبله زحل

اعضاء قوی این هنگام سست دلالت بلکه در فصل اول حقیر هیچ

ملهمها کرد جب این طالع را در شب جهار شنبه یا شب یکشنبه در این

دیده باشی و زحمت بر این است در حمام یا در تب مسلمان بار ایشان

ابر روان لرزانیدنی سر راست اول یک روز باز و یک روز نان بیح

و بعد هلیلکی شربت دوای و غذای بیهی خبث جون شب سرشی

اعمالش برای زرد روز برون زرد هیچ شود در خواب نال

و پرهیز یک روز باز و یک روز نان نیز باشد و بعد بیم قرنا

دانش این حالت سانف حادث سست پیر و جمله ها بیمار بیرون حفر عادة

شربت باید که جه بکند الله الحق نکند تا جهار ده روز و یکی مثلث ملاحظه باید

ستار بزی درص



واین الاهی نلکنه در دهشت افتی داراجی اندایست

که اول دعا عیتر عدد و قرآن باید دود کند شفا انشالله بوی عیش

والله اعلم

بحث اسرار هستی

انچه حقایق این رمل هست و این بحث آن باطن اهمیت از رمل

حفرهٔ سلیمانیه دلالت می‌کند که صاحب این طالع و شب جهانی شبه

یا انکه شب یکشنبه در وقت بستانی یا در جهان یا در ایلچیاه اب اسرار

در پیمانهٔ جهت سیاست و امر باطن است و در روز بیرونی زرد ضعیف

میشود و قلب او را بایست و ضعف دارد گاه بز و گاه نان

میدانی بعضی از وقت‌ها دلش را بیمار نه زانو ها و جستن

میکند مرتب چشم که و بیماری در دو بی‌نا شب میشود و دل و

عینک چند میشود و در قالب هر آن چه ادب میشود نال میکند

یک روز خوب و یک روز بد باید ان شاء الله رو ان شاء الله نکیه در دست افتد

برجى منار [illegible]



[illegible]

والله اعلم

صورة
جبرائیل



میکائیل



بوده مهلک ستاره‌لر

انجه هو القوی این دوسیت زرقوال حضرتلری بالی و زرقوال حضرت

سلیمان دلالت بیرکه لر که شب هر شب اپی چهرزنا اپو دیب

امیر برداشت اولانی بیک روز ناز و بیک روز نازبی باشر و گاه شب

دیلنده گاه گاه نازبی باشر و گاه شب بیرکه چون شب هر شوج

درنعاب نالی پهوق بیلی بید وانی اداجه بلکه

تا چهار روز قران دارد و گاه پاده نهرال ازمیت

دیلنده براو هوان شب میشو احوال الشی بیت هم بیرده

ورنعاب هرانه پیدا اپی بنی ده باید ال جمع وال در رست افتد

والله اعلم



بنجی سوق شاریحا



انجیردن افقاغی دهدستعه زرقی ایله حفره سلطانی دولت بیلنه

صاحب این طالع را در شب چهارشنبه یا در شب یکشنبه در یا قستان

ز زایی بهرام باشد و از بیمت بیم دارند و چه وقت بیمار شد اگر باشد

احوال این بیمار شد یک روز بماند و یک روز ناخوش باشد یک ساعت

خوب و یک ساعت بدتر باشد و لعوبی زرد و قست ها دلش این مالند

و زانو های او سست شود و صداع هم دارد و گاه تب بیاید و گاه

اشتها می کند چون شب شود اشتها آشتی ... فرزند و در خواب

تال و بیحق ... نیک دید و بی بهرنج زرد میشود. امام تا یک جلد

یا دوازده روز دلیر قران داد باید قرآن بیاید که اول ادعا ... داد

والله اعلم



سیار زحل
وننزل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنين و
يزيد الظالمين

[illegible]

انچه هی قوا ایں دعوت زنی قول حضرت سلیمان دلالت میکند

کر صاحب این طالع را بعد از زنا بچه دار با اهله در شب چهارشنبه تنهای

مندو از این دعب اسب باشد با نعشی احوال است و گاه موقوف دارد

و گاه شب بر تنی گاه بار و گاه نا ما بی باشد بعب عیب عجب دیک

عیب تبی باشد و لعنت بی زروقت دانی لب مالنه و انو

حسب بی بخشی و گاه تب قلب اعی را بی کهنه و گاه

تب بی میله و گاه تب ام هیکند جوف شب بشی

احوال التی بر هم بر صرند و تا جهار روز دو ملک [illegible] دارد

با بدلها کنید و ان درحمت افتد و بچه او ام فهم داده والله اعلم



صورت اسمک و حشنیت








امرائیل

The meyrikh star

سوره

پنجم سوره ستاره نهم

آنچه مرا قدرت ... از قول حضرت سلیمان دلالت

بیکلنه کر صاحب ... ماه اول ... در شب چهارشنبه ... زن آبستن

اندر وجه تعبیر او اینست که ناخوشی او الست و بنابع زن آبستن

و ... اینست واین ... تکلم ... تکلم آبستن زن

مالیه اینکه ... بار اوردن اینست ... تا زند

است ... این ... لذت ... و ... از ... مالی

و تعبیر ... تعبیر ... وقت ... اول ... فرزند

جی ... تعبیر ... اول شب ... بایدالله ... دار

... والله اعلم



Gemini Trans-

۱ ۲ ۱ ۲ ۱ برج جوزاء ممتاز خاک

mutaz Zahl

انچه حکم این شکل در قول حضرت سلیمان دلالت میکند

که صاحب این طالع را در شب چهارشنبه یا در شب یکشنبه دیده است امروز حاجت

بر او نیست شمار از نیت آن انست که چند وقت است بیمار گردد تا

خشک احوال میباشد و گاه تب سرد میکند و گاه تب گرم میکند

چون شب میشود احوالش بد میشود و روز خاب ... چهل

زیر شود و بدن او زرد در اندام ... شود و چشم و دل و جگر او

... باید ... تنبیه ... و ... باید

قران ... تنبیه و ... در جهت ... دعای

... ... باید ... او نه ... الله رفع شود





مبحث مدت طالع میلاد زحل

انچه برای او این رحلت است / دلالت میکند که صاحب این

طالع در اثنای چهار شب یا شبه یک شبه زیرا این دو عیب در رقیب بهتان

یا در لکنار اینه است پیداشت و از جهت بزرگی است که چند وقت

می باشد ناخوش احوال است و گاه تب سرد تب گرم میکند

گاه باز و گاه نا باز می باشد یک روز چاق و یک روز

ناچاق می باشد باید الاغی کنید والله الاعلی نکنید

در رحمت افتد ناخوشی دیگر نزول کند تا سه ماه

لعلاج قرآن دارد باید قرآن بخواند یک شبه تا زود خوش شود ان شاء الله

والله اعلم



Solomon

برج اسد منار شمسی

آنچه حق واقع این رمل است از قول حضرت سلیمان

دلالت بلند کرد حساب این طالع را در شب جمعه یا شنبه

یک شبه زن این حساب [illegible] و بعد در وقت زائیدن

زن این [illegible] بخت [illegible] گردش را [illegible] حالیه را

[illegible] دانه [illegible]

[illegible]

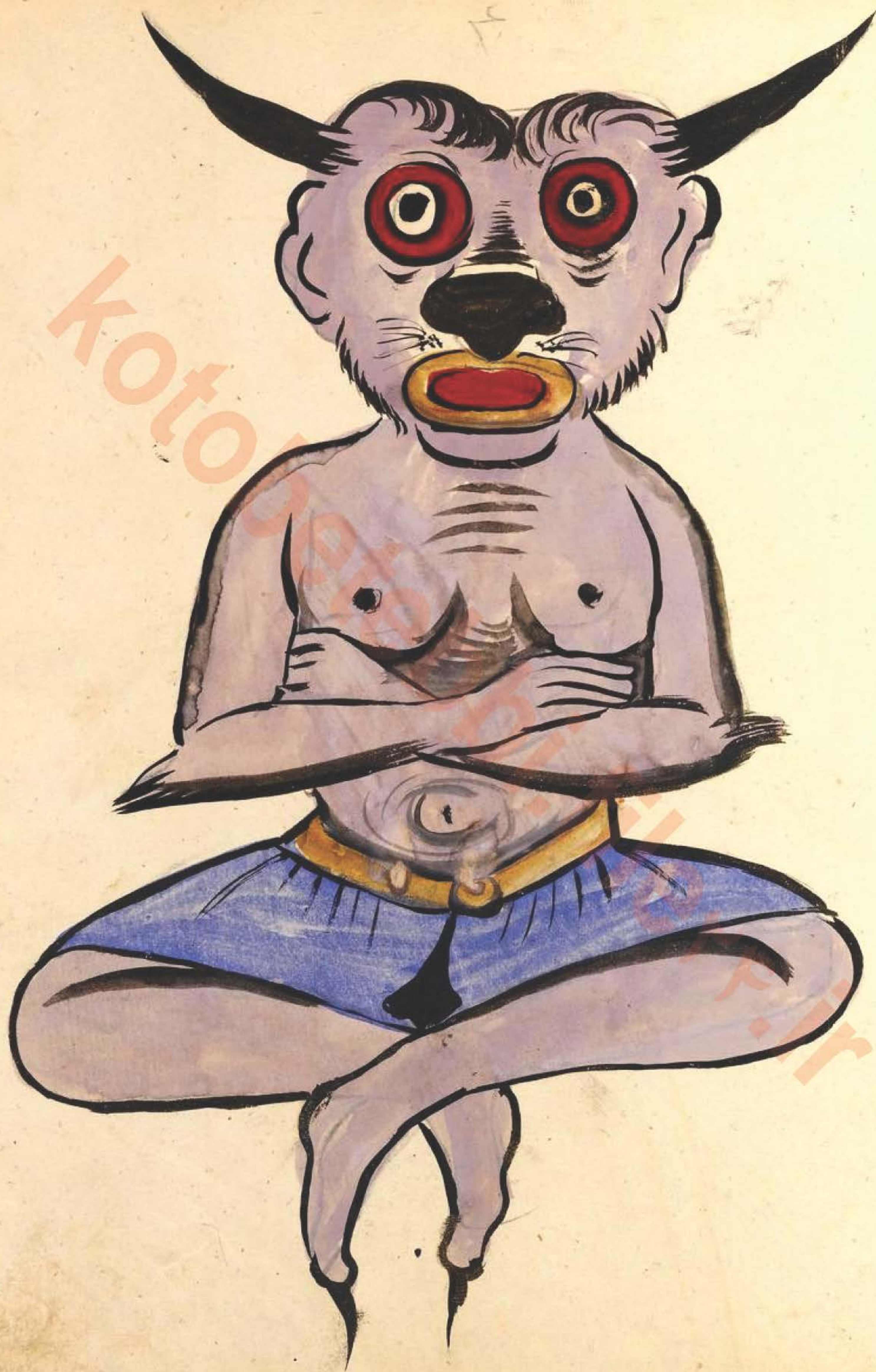
[illegible] باشد گاه [illegible]

[illegible] گاه [illegible] آتش افروخته [illegible] دنیا

جهت روز [illegible] قرآن دارد باید قرآن [illegible] آخر [illegible]

در رحمت افتند والله اعلم







مرتاد — رسائل — سی باش

اجنبی بیا بنشین

طالعی عجب [illegible] بنشین

بنی کرد [illegible] یکشبه در شیخ پیک [illegible]

زرابی جنبی [illegible]

وقت [illegible] ابی طالع [illegible] یکشبه یا چراغ [illegible]

[illegible] زرابی جنبی ابر [illegible] داشت

جای نادار کار [illegible]

گاهی ناز و گاهی ناز بی باشد و گاهی قهر [illegible]

کار [illegible] ابیت [illegible] باید [illegible]

[illegible] اراده [illegible] نه [illegible]

باید [illegible] ابی جنبی را باب

[illegible] ناریه شود [illegible] وال الا [illegible]

قهرمن حقی پاشا



عنتر بهتی پاپیر
مدینی ناخشی
نغانتر تا
رحق
ستوک



طالع — سرطان — خیر باشد

پیت دبیه کان درخستی اعجه

هر بدنی طالعی درتب جر باشب با دوشب جر باشب دره کان

ابی رودە زحمت سراو رشته است وابی دبیو بسیار اوه راد

زحمت بیو نیزد کافی باشد دشمنان زحمت

ابی دبیو ابیهات لکر ها دبیو اولکی عشقی در عف

بیت ای بیکه ر در روز سی ور زرد ضعیف میشود

در جا سیه نال بیکه ر اندام ها و درد بی کینه بک

دو ناو ر دیکب ردنب نان زیب باشد باید علاجی

بکنەر واینک ار انگلمه ختب باده بابید بابا قرامحید رفعی

بکنەر



سنحاب
دیو
بیکی نیز
کافر است
دعا خانیه
دارد ناخوشی
نادری شود
بنز زرد کہست
خدای ستبز

کاتبه سید مهدی رضا مال

بنام

طاوس بهرامان

صاحب این طاوس در شب چهارشنبه در بیابان ورین

درخت بید را از خاک بیرون آرد زیر انبی [illegible] بسمان

ریسمان است ونه بستار دهان چرک روز ناخشن

بیشی ده و بید دیو ان بیشی ده خایه ندارد [illegible]

بسوی پرتب بر کنه زرد ابی پیه عرق بر کنه

ناخشند اولتول بر کشد خون خشک دارد

باید الا نخچه ز جهت کنه دادا غ خون نمیت

اداده دعای زرایاه قسم ادیه بیبا شر دایه [illegible]

[illegible] کشر [illegible] او باشر تا حق

شود








سوغاتی
دارم

درس ...
سلطان

اطاعت سلطان ... در زمانی که ... مستقر گردد
جز ... با ... یک شبه در ... با احکام ... باطل
... نام ... اطاعت ... زمانی ... رحمت
... ... شان رحمت ... این است
... ... با ... ... و ...
... و ... با ... ... الله ...
... رحمت ... دارد ... دعا ... باشد
... قرآن مجید ... و ...
... قرآن ... داده ... شود



پیرزال جادو

هنار هجری

کسی که در طالع سحری باشد و در شب چهارشنبه یا روز چهارشنبه

در حمام یا قبرستان تنها رفته و پیدا شده باشد سحر ابنی

پس زوال به اوست کار بسته باشد یا رنج و کار آن نحس نحس است

شوی دختر هیچ کار بسته بود و کار او هیچ سکه پیدا نیست

کسی شب و روز و هم اندوه باشد باید رفع هیچ سکه نشد

و اداء شب و روز در سحر جادو هیچ سکه باشد باید

دعای باطل سحر و طلسم باطل سحر باخبر دار دتا رفع

شود ان شاء الله

1334

کاتب دهر زمان





حالی دیدی فلکِ زال

این دیو دربه بیابان بشبی نوع انسان

دهشت میر ... در دست چه یار در کوه یار در

زیب درخت ... که در شب جر باشد

یار دو جر باشد ز راهی بجا نیاید ز راهی دیو دهشت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بچھو عقرب

طالع برج عقرب کی رستی کر در شب جمعہ رشہر یا شب

تب کشی پہلے بسم اللہ رحمن رحیم و پہلے رسم خدا کے کریم

مار یا عقرب کی کشہ رحمت سے اور بیر رسم حق

مار یا خان کسے یا رحمت یا درندہ حیلے یا درندہ یا بانس

سپے نام خدا کے اللہ تعالی کشہ الیہ رحمت سے سراو

بیر رسم دینہ نشان رحمت انا ایتی سمت کی

ڈال دیوں ان کیر سیاہ سب تنے و ڈال قعشی سیاہ

تنے باہ خبر انا حسبنا باہیر اللہ و کنہ دا کر اللہ

بلکنہ قرآن دارو



دیگر طلاء اسیری باشد

یرنی کر در شب جای شب یا شب یکشنبه در باغ

یا در باغستان بیلی دعاء باشد دنجابد یا هیچ گل زرد

بسر زند در جهت سرای بسر دو گل زعفی

دعشی بیک اعی سبی کند و نشان زجهت ایتوم ایبی

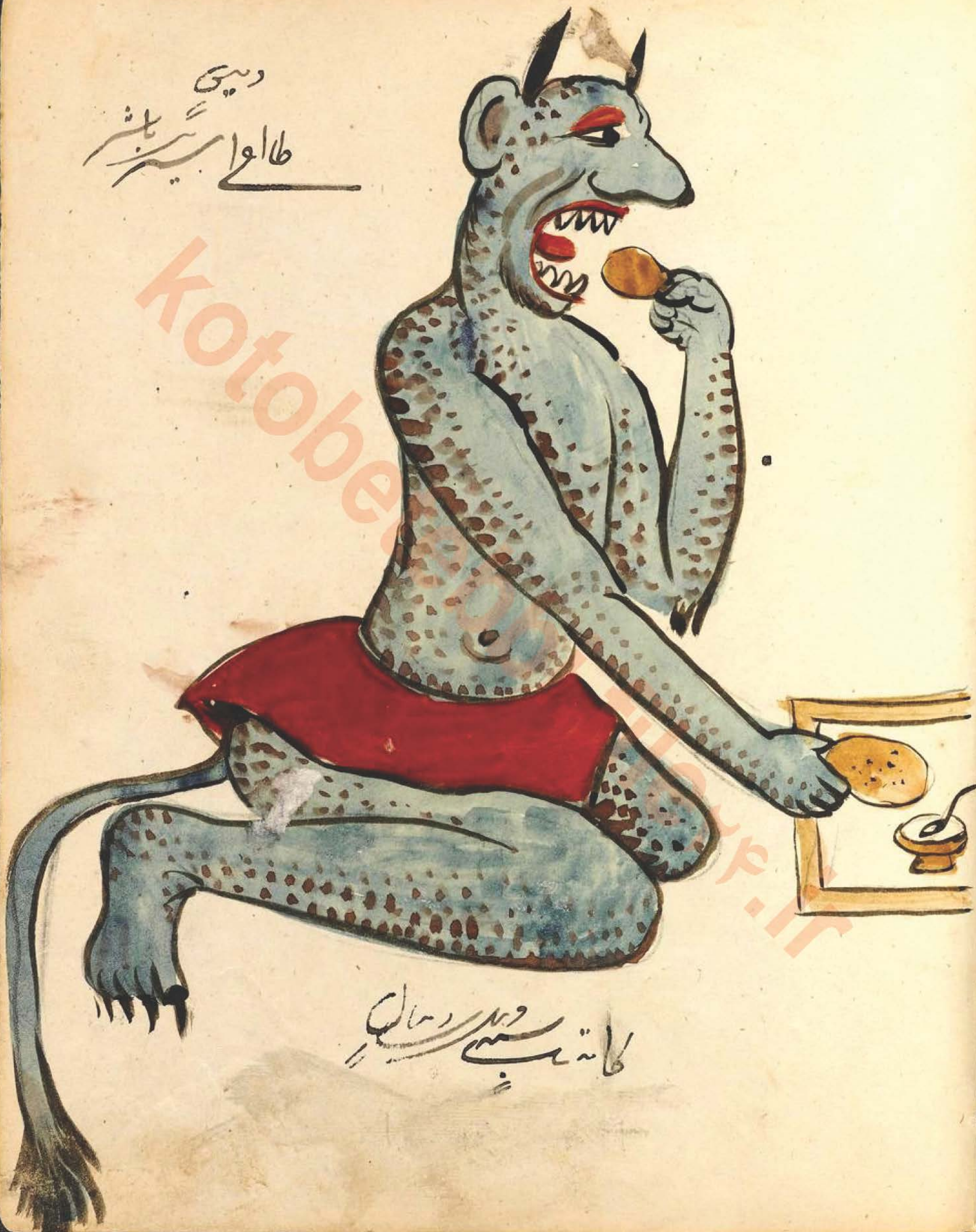
ابن بیت بیک و دزیب جانی زرد دیگر سبز شود

و نا چشمه لنی ل سیاه شد و حال دیگر اینکه بر افتا

شود بابد اڑه لنشر دانی الدی نکند فرزان دادید

قرآن بخر کند دعای باخره که دارند زرایاه ماله ۳ ادامی

تا رفع شود



دیبی طالع پیری جوت
بب باشه

ابی دیبی درست چاه داره درجب باب یا رتهی بب
بب باشه رسنی کر درشب جر بارشب بانکی باشه
پیه نام خدای اتعالی در ابی جای بنر رکنه درزاینی
دیبی رخت ریه ونه نشان زحمت انکی
دیبی انست کر شب درونی ناخسی احوال
بب باشه ریک روز یاد ونابب روز نازنبی باشه
داندم ۴ بی دی درد بب تنه زردان رفع سراوقا
بیب شود باید ۲ نیه اود دوه زحمت با ایاه فراینی
و بعد دوای غیر نده تابع شود



طالع برج سنبله

یکم آنکه دیگری در چهار قسمت دستان نشی بلی جراب

بی بانت ریستی کند در شب جبار نیب باشد بلکه

دوم آنکه جانت رنگش و پیچ نام حضرت الله تعالی باشد

سوم آنکه دیگر آنکه در جهت ببری دارد و دشمنان

زحمت آنکه دیگری انگشت کند تب بیشتر

و از سر تنش درد زیر بیرون زرد زعفران شود

در دو ما بیلک بیاتی ناخنش و نشسته علی لاتی لا بشد

باید آنکه تند و انتظار الله نکند در زحمت افتد و ترس آن دارد

با بیر بالا پاه فرانا مجهت قران نشسته


۱ ۳ ۵



سرے شوت

طالع بن حی حوت رستی کر در شب جہار شب باثب

یک رشنہ با عیال خر جہاع لنہ حسپے نام خدا بے

تعالے باشر دنغابد یز ر دیبی احمد و رحمت بہ

در خاب
او بیرسی دنشاز جہت انا دیبی انسشت

کرد لیت بحی زرانا ہا عے شبہ سانہ حی اکر داد زدہ شوی

در خاب
ابن دیبی لکت بیرزنہ دری چہ بچہ بیر اید بزاد میت

باید ادے لکتر تا دعے شوی د واد معاخت بچہ بیر باش
دز با نشی بیت آفت یاحے زنا بیر سالہ بچہ رزاد نیمہ شوج

واد حے ان دعا عیسین باشتر زرایاۃ قرانا بحچر طلسم زنا شوی ا

تا رمع مشتی دا ن اللہ




دیوی برے
یا مرتضی علی

هو المالک

جائی که دیو جهات راستی کرد در شب‌های شب باشد بیشه

جائی که ناساز کار هست نام خدای اعوان عز غایب است جهان

یا هر یک یا در باغستانی یا در خانه زر در بیشه یا چمن

بر او نبیند زیر ... از جهت آن دیو انسان

هر چشم او نهفته است ... را باید دعای چشم زخم نهاد

یا هر که دارد وال چشم ... نهفته باز است

خدای کریم با آه قرآن مجید دعای با هر که دارد

تا محو شود انشاءالله العلی العظیم سنه ۱۳۳۵



بیت می سبه لس

طالع نیز می سبله بی شامی از یتی یار نیمی پی نام

صد ایی اتفاق اعجابی ما باز کار بر و د شب شب

یا شب جبار شبه زحمت سراو دیری و شمار جهت

ابی ست کی روز بیت دری زعیف بی شی

و هال زاعیف بید اعی بی تنه و کا قلب اور مبی لیدی

دلشه بیت بسا لیز زانو عی اوسهت سی شق وی یک روز

یار یک روز تا زی یا شی کا و بدن و یسی ار زی

سر او درد بی یتی باد نمار دلکی چهت اوری بیری

درد بی یتی یا بیدار خه لنه اداه او دعای محی زیبان چهه

با هر و ار د نا د مه شوق

انشاء الله

جامع بیت اسرار

جامع بیت الاسرار [illegible] کرد شب چراغ شب باشد پیشه

بیدار تمام [illegible] اعمال عجایب نا ناز کار [illegible] دو [illegible] تا

بیانی [illegible] پاک خرب [illegible] با الله [illegible] تنها [illegible]

در ابنی دینی رحمت [illegible] باینده [illegible] بانی

اشی و شان رحمت او این [illegible] در [illegible]

[illegible] بی [illegible] نا [illegible] چشم [illegible]

بابه [illegible] دالی الا و [illegible] رحمت [illegible]

ادا و ان انه [illegible] تمم [illegible] خاک [illegible] زابان [illegible]

بالله طیبان با [illegible] با [illegible] دارد تا [illegible]

انشاء الله



افلاک سماء
رساله ... باشد

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله و الی

ملة رسول الله

علی حب الله

زیاده بر ... خرابه کبریت ... و دوازده

امام ...

... ... آفتاب ...

نادیده

تمام ... آفتاب عجایب ... قاه

... ...

... ...

۵۰۵
سوره
دارد
این کتاب